

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# قرآن

## كتاب أنس وعمل

حجة الاسلام والمسلمين  
حاج شيخ محسن سعيد يان

سرشناسه: سعیدیان، محسن، ۱۳۲۳  
عنوان و پدیدآور: قرآن، کتاب اُنس و عمل / محسن سعیدیان.  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۰.  
مشخصات ظاهری: ۸۸ص.

شابک: ISBN 978 - 964 - 539 - 277 - 0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.

موضوع: قرآن، مسائل متفرقه، برگزیده‌ها، ترجمه‌ها.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ق ۳۸ س ۷۴ / ۴ / ۶۵ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۶۲۳۳۴



شابک ۰-۲۷۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸-۰-۰۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۲۷۷-۰ ISBN 978 - 964 - 539 - 277 - 0

قرآن، کتاب اُنس و عمل

مؤلف: حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن سعیدیان

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

صفحه‌آرایی: شبیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه افسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹  
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴

تلفن: ۳۳۵۶۸۰۱ (خط ۴) همراه ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: [info@monir.com](mailto:info@monir.com)

مرکز بخش مشهد:

چهارراه شهداء، اول خیابان آزادی، کتابفروشی نور مهدی، تلفن ۲۲۵۶۵۷۰ - ۰۵۱۱

شماره تماس مؤلف: ۰۹۱۵۹۰۳۵۰۳۴

۲۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۷	مقدمه گنجینه اخلاق و معارف اسلامی
۱۱	مقدمه مراحل
۱۳	مقدمه قرآن
۱۵	قرآن، نامه‌ای از آسمان
۱۵	قرآن در آیات قرآن
۱۹	قرآن، کتاب عمل
۲۴	انس و تعاهد با قرآن
۲۹	تعاهد مسلمین با قرآن
۳۳	غربت قرآن
۳۷	قرآن، ضامن سعادت بشر
۳۹	قرآن، کتاب جهانی
۴۱	قرآن، کتاب جاودان
۴۳	قرآن، کتاب انطباق
۴۵	قرآن، کتاب فهم و اندیشه
۵۱	تمسک به قرآن



٦ \* قرآن، کتاب انس و عمل

- ٥٤ ..... تأثیرات قرآن
- ٦٠ ..... آداب قرائت قرآن
- ٦٠ ..... الف: ترتیل
- ٦١ ..... ب: اقسام قاریان قرآن
- ٦٣ ..... ج: قرائت باصوت
- ٦٦ ..... د: احترام به قرآن
- ٦٧ ..... عظمت قرآن
- ٧٣ ..... عجایب قرآن
- ٨٥ ..... خاتمه
- ٨٧ ..... سوالات تستی
- ٩٣ ..... سوالات تشریحی



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مقدمه گنجینه اخلاق و معارف اسلامی

خدا را از این نعمت بزرگ که به من ارزانی داشت تا بتوانم صفحاتی چند در مورد اخلاق و معارف اسلامی بنویسم، سپاسگزارم.

اگر چه در این زمینه، کتاب‌های فراوانی نوشته شده ولی به نظر می‌رسد به این سبک و سیاق، با قلمی روان و قابل دسترس همگان به زبان فارسی، کمتر کتابی نوشته شده باشد و لذا جای آن را خالی دیدم و به حول و قوه الهی به جمع‌آوری آن اقدام کردم.

این مجموعه دارای ویژگی‌هایی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- سعی شده مطالب کتاب به بخش‌های کوچکی تقسیم شود تا هر کدام با عنوان خاص از یکدیگر متمایز گردد.
- ۲- استخوان‌بندی مطالب، عمدتاً از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام اخذ شده و سپس با داستان‌های مفید و



## ۸ \* قرآن، کتاب انس و عمل

اشعار مناسب زیور گرفته است.

۳- نوشته‌ها غالباً از کتب مرجع و متون اصیل اخذ شده تا از اتقان بیشتری برخوردار باشد.

۴- مطالب این مجموعه مخصوصاً روایات آن منتخب از ده‌ها روایت مشابه و حاصل تلاش فراوان است به طوری که گاهی یک صفحه، چکیده مطالعه ده‌ها صفحه از کتاب‌های گوناگون است.

۵- امانت در ترجمه، ما را بر آن داشت تا از شیوایی بعضی از جملات بکاهیم و حفظ آثار باقیه الهی را بر آن مقدم داریم.

۶- مطالب گرچه از کتب مختلف است ولی سعی شده حتی الامکان از کتاب‌های ارزشمند «بحار الأنوار» و «نهج البلاغه صبحی صالح» نشانی داده شود تا برای مراجعه، به کتاب‌های زیادی احتیاج نباشد.

۷- مخاطبین این کتاب افراد خاصی نیستند بلکه مطالب آن برای عالم و عامی، زن و مرد، پیر و جوان مفید است.

۸- این مجموعه به لحاظ تنظیم و دسته‌بندی‌های خاصی که دارد کاملاً متناسب و آماده برای برادران محترم مبلغ در ایام تبلیغی است.

۹- از تطویل کلام و لفاظی و جمله‌پردازی‌های تزئینی تا حدّ زیادی پرهیز شده تا اصل مطالب به سهولت به دست آید.

۱۰- حتی المقدور از تمایل به گروه‌گرایی دوری شده و سخنی از آنها به میان نیامده است.





۱۱- این مجموعه متناسب با کلاس‌های درس «اخلاق و معارف اسلامی» تنظیم شده و با انتخاب مناسب، می‌تواند متن کتاب درسی قرار گیرد. البته طبیعی است کتابی به این حجم نمی‌تواند برای همه گروه‌های سنی مناسب باشد لذا هر عنوانی به تناسب سن، جنسیت و یا به لحاظ پایه معلومات باید انتخاب گردد.

۱۲- مطالب این کتاب نیز به صورت کتاب‌های کوچکی که شامل یک عنوان، یا دو و سه عنوان نزدیک به هم است به چاپ رسیده تا هر چه آسان‌تر در دسترس خوانندگان عزیز قرار گیرد.

شیخ محسن سعیدیان

محرم الحرام ۱۴۲۳ هجری قمری





### مقدمه مراحل

کتابی که اینک پیش روی شماست قسمتی از مجموعه «گنجینه اخلاق و معارف»<sup>۱</sup> است که به طور جداگانه چاپ و منتشر گردیده تا با مطالعه آن با معارف اسلام آشنا تر شویم و در عمل به دستورات الهی کوشا تر گردیم.

مجموعه «گنجینه اخلاق و معارف» پس از یک مقدمه در مورد اخلاق و اهمیت آن، مسافری را تصویر می‌کند که از خواب غفلت بیدار شده و قصد سفر «الی الله» دارد. پس در سفر خود به مراحل می‌رسد و آنها را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد که آنها اجمالاً عبارتند از:

مرحله اول: توبه و پاکسازی باطن.

مرحله دوم: ترک محرّمات و سپس ترک مکروهات.

مرحله سوم: انجام واجبات و سپس انجام مستحبات.



۱۲ \* قرآن، کتاب اُنس و عمل

مرحله چهارم: اخلاص.

مرحله پنجم: رفع آفات و دفع موانع.

مرحله ششم: مکارم اخلاق.

مرحله هفتم: آداب اسلامی.

مرحله هشتم: کمال.

امید است پس از مطالعه این کتاب، قسمت‌های دیگر  
«گنجینه اخلاق و معارف اسلامی» را نیز مورد مطالعه قرار  
دهید.



توجه: کلیه قسمت‌های مربوط به نهج البلاغه را از «نهج البلاغه دکتر  
صبحی صالح» نشانی داده‌ایم تا دسترسی به آن برای خوانندگان  
محترم آسان‌تر باشد.

### مقدمه قرآن

فرمایش نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام ما را از ذکر هر مقدمه‌ای بی‌نیاز می‌کند، چه اینکه آن حضرت در خطبه بلندی می‌فرمایند:

«...قرآن نوری است که چراغ‌های فروزانش خاموشی ندارد و چراغی است که شعله ملتهبش فرونشیند و دریایی است که ژرفای آن یافته نگردد»...

قرآن شعاعی است که پرتو رخشانش به تاریکی نگراید و اساسی است که ارکانش ویران نشود و شفایی است قطعی و بی‌هراس... قرآن معدن ایمان و چشمه علم و گلستان عدل و پایه اساسی اسلام و گستره حق و حقیقت است، دریایی که هرگز تهی نشود و چشمه‌ای که از جوشش بازنایستد و آبشخواری که خشک نگردد... خداوند قرآن را موجب سیرابی عطش عالمان و طراوت دل فقیهان و روشنی راه صالحان قرار داده است...<sup>۱</sup>



آری تاکی و تا چند! کنار دریای معارف اسلام و قرآن،  
لب تشنه و حسرت زده بنشینیم و بی‌اعتنا به گوهرهای ناب  
قرآن و اهل بیت، دست‌گدایی و نیاز به سوی فرهنگ بی‌اساس  
غرب دراز کنیم و اخلاق و تربیت را از آن گم‌گشتگان وادی  
شهوَت، و دنیا زدگان طریق ضلالت جو یا شویم؟!؛

قرآن چشمهٔ جوشان هر علم و دانش، و کلمات ائمهٔ اطهار،  
خورشید تابناک هر اندیشه و معرفت است، اما صد افسوس و  
هزار افغان که دستِ استعمار دشمن، این گوهر گرانبها را از ما  
گرفت و ما را به خزف بی‌ارزش تجمل‌گرایی دلخوش و سرگرم  
نمود.

وه! که دین خود را چه ارزان فروختیم و از میراث پربار  
اجدادمان چه زود دست کشیدیم.

ما، در این کتاب سعی کرده‌ایم تا این آب ریخته را جمع کرده  
و این راه بسته را باز کنیم و شفای دردهای سنگین فردی و  
اجتماعی را از قرآن جو یا شویم، باشد که دستی از آستین برآید و  
طیبیانه ما را نوازش دهد و از نردبان معرفت بالا برده و به  
بلندای قلّهٔ کمال برساند.



## قرآن، نامه‌ای از آسمان

قال الله تبارک و تعالی فی کتابه الحکیم:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِيَلْتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَ يُبَشِّرُ  
الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا  
كَبِيرًا.»<sup>۱</sup>

«قطعاً این قرآن، بشر را به پایدارترین و بهترین آیین  
هدایت می‌کند و به مؤمنانی که اعمال شایسته انجام  
می‌دهند پاداش بزرگی را مرزده می‌دهد.»

## قرآن در آیات قرآن

قرآن تنها کتاب آسمانی است که از جانب حق نازل شده و  
دست تحریف به ساحت قدس آن نرسیده است.

(حجر / ۹- بروج / ۲۱ و ۲۲)

۱- سوره اسراء (۱۷)، آیه ۹.



قرآن نامه‌ای است نورانی از خالق متعال به سوی بندگان.

(اسراء / ۱۰۶ - نمل / ۶)

قرآن خورشیدی است درخشان و قمری است منیر که پرتو نورانی‌اش تاریکی‌ها را می‌زداید و انسان‌های گم‌گشته را رهنمون می‌گردد.

(مائده / ۱۵ - ابراهیم / ۱ - حدید / ۹)

قرآن دوايي است بر دردها و شفایي است برای آن‌چه در سینه‌ها می‌گذرد.

(اسراء / ۸۲ - یونس / ۵۷)

قرآن قصه‌ای است به حق که در آن خلافي راه ندارد.

(بقره / ۱۷۶ - آل عمران / ۶۲)

قرآن کلامی است جدی و قطعی که در آن کلمه‌ای ناروا و بیجا یافت‌نگردد.

(طارق / ۱۳ و ۱۴ - جاثیه / ۲۹)

قرآن خطابه‌ای است از حضرت حق که باید آنرا به گوش جان شنید و در برابرش به سجده افتاد.

(اعراف / ۲۰۴ - انشقاق / ۲۱)

قرآن موعظه‌ای است حکیمانه و پندی است مشفقانه.

(بقره / ۲۳۱ - آل عمران / ۱۳۸)

قرآن هشداري است برای همهٔ ملّت‌ها تا پایان جهان.

(انعام / ۱۹ و ۱۳۰ - یس / ۷۰)





## قرآن در آیات قرآن \* ۱۷

قرآن وعده‌ای است حق که آن را تخلف نشاید.

(آل عمران / ۱۹۴-نساء / ۱۲۲)

قرآن گفتاری است سراسر صدق که هیچگونه افتراء و دروغی را در آن راه نیست.

(نساء / ۸۷ و ۱۲۲-یونس / ۳۷)

قرآن برهانی است محکم بر اقامه توحید و شمشیری است بُرّان بر پیکر مشرکان.

(اسراء / ۴۶-ابراهیم / ۵۲)

قرآن کتابی است بی مثال که هیچکس را یارای مقابله با آن نیست گرچه انسان‌ها و جنیان به یاری یکدیگر برخیزند.

(اسراء / ۸۸-یونس / ۳۸)

قرآن مثلی است از گذشتگان برای راهگشایی آیندگان.

(نور / ۳۴-زمر / ۲۷)

قرآن دستوری است برای جنیان همچنان که امریه‌ای است برای خاکیان.

(احقاف / ۲۹-جن / ۱)

قرآن نوشتاری است دسترس و نزدیک در عین اوج و بلندی.

(قمر / ۱۷-طه / ۴)

قرآن گنجی است مکنون و دفینه‌ای است محفوظ.

(واقعه / ۷۷ و ۷۸-بروج / ۲۱ و ۲۲)



۱۸ \* قرآن، کتاب اُنس و عمل

قرآن حاکی است دانا و قاضی ای است به حق.

(مائده / ۴۸- نساء / ۱۰۵)

قرآن مکتوبی است تمام که مطلبی در آن فروگذار نشده.

(انعام / ۳۸ و ۵۹- نحل / ۸۹)

قرآن کتابی است محکم و نفوذناپذیر در نزد خدا که در مرحله نزول تفصیل داده شده است.

(هود / ۱- فصلت / ۳)

قرآن نوری است تابنده و میزانی است هدایتگر.

(مائده / ۱۵- بقره / ۱۸۵)

قرآن درسی است توحیدی به آموزگاریِ خدای رحمن.

(الرّحمن / ۲- ابراهیم / ۵۲)



### قرآن، کتاب عمل

خداوند عزوجل در سوره انعام آیه ۱۵۵ می فرماید:

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبْرُوكًا فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

«و این کتابی است خجسته و پر خیر که ما آن را فرو فرستادیم پس، از آن پیروی کنید و پرهیزکار باشید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.»

و نیز در سوره ابراهیم آیه ۱ می فرماید:

«الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»

«الف، لام، راه، این قرآن کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری و به شاهراه خدای عزیز و حمید رهنمون گردی.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:



«این قرآن نوری است آشکار... هرکس در پرتو آن باشد خداوند او را نورانی گرداند و هرکس امور زندگی اش را به آن گره بزند خداوند او را نگهداری فرماید و هرکس به آن چنگ زند خداوند او را از مهالک نجات بخشد.»<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت خود به امام مجتبی علیه السلام می فرمایند:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»<sup>۲</sup>

«خدا را! خدا را! در قرآن، مبدا دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند!»

قرآن کتاب «انسان» است و باید آن را خواند و فهمید و سپس به آن عمل کرد، خواندن برای فهمیدن و فهمیدن برای عمل کردن.

زهی سعادت آن کس که در تنگ راه های زندگی از قرآن رهنمون می گیرد و آن را چراغ راه عمل خود قرار می دهد، و زهی خسران و شقاوت آن کس که اسم خود را مسلمان گذاشته و با قرآن قهر است.

قرآن نه برای مردگان است که برای زندگان نازل شده و خود می فرماید:

«...إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ \* لِيُنذِرَ مَنْ

كَانَ حَيًّا...»<sup>۳</sup>



۱- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۳۱.

۲- نهج البلاغه / رسائل ۴۷.

۳- سورة يس (۳۶)، آیات ۶۹ و ۷۰.

«این سخن جز یادآوری و قرآنی روشن نیست، تا هرکه

را دلی زنده است بیم دهد...»

پس اگر قلب ما به سستی و بی‌جانی گرایید باید به سوی آیات  
روح بخش قرآن بشتابیم تا جان بگیریم.

خداوند عزوجل در سوره انفال آیه ۲۴ می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ  
لِمَا يُحْيِيكُمْ»

ای گروه مؤمنان! خدا و رسولش را اجابت کنید هنگامی

که شما را می‌خوانند به آنچه به شما حیات می‌بخشد...»

به خدا قسم اگر دانشمندان یهود و نصاری کتابی مانند  
«قرآن» می‌داشتند، روی تک‌تک واژه‌ها و دستورات آن کار  
می‌کردند، نکته‌سنجی می‌کردند، مقالات می‌نوشتند، پروژه‌ها  
می‌گذاشتند سمینارها برپا می‌کردند، تابلوها می‌ساختند و  
بودجه‌های کلان صرف می‌کردند.

البته بسیاری از این اقدامات را هم انجام داده‌اند ولی با کمال  
تأسف به نام شخصی خودشان نه به نام قرآن تا تبلیغی برای قرآن  
و اسلام باشد زیرا بزرگان آنان با اسلام مخالفند چون اسلام  
دنیای آنان را خراب می‌نماید و آنها را از مقام ریاست  
دروغینشان به پایین می‌کشانند.

اما حاکمان کشورهای کفر با قرآن مخالفت می‌کنند زیرا  
اگر فرهنگ قرآن در بین مسلمین توسعه یابد، آنها دیگر  
نمی‌توانند بر مسلمین حکومت کنند و آنها را برده خود کرده به  
بند بکشند.



آنها خوب می دانند اگر قرآن در بین مسلمین عمل شود دیگر زخارف و گنجها و نفت خود را رایگان به آنها نمی دهند لذا «گلاستون» نخست وزیر صهیونیست انگلیسی، در مجلس اعیان انگلستان، قرآن را در دست گرفت و آن را با خشم تمام، روی تریبون مجلس کوبید و فریاد زد:

«تا این کتاب در بین مسلمین باشد امنیت و اطاعت سرزمین های مسلمان نشین در برابر استعمار انگلیس محال است.»<sup>۱</sup>

و در جای دیگر گفت:

«واجب است اعدام قرآن و پاک کردن اروپا از مسلمین.»<sup>۲</sup>  
باری سیاست جهان خواران بر این پایه استوار است که مسلمان ها باید به قرآن احترام بگذارند و لی آن را نخوانند یا اگر می خوانند آن را نفهمند و یا اگر فهمیدند زمینه ای برای عمل به آن پیدا نکنند، لذا در تحمیق و نفهمی مسلمانان می کوشند.

شما را به خدا ببینید در همین کشور ما که هنوز بعضی از تفاله های رژیم منحوس آمریکایی در گوشه و کنار فرهنگ ما رسوخ دارد حتی در دورترین دهات دور افتاده، زبان انگلیسی رواج دارد و در قسمت های آبادتر و شهرستان ها، مراکز تقویت زبان و در مرکز کشور هم که انواع و اقسام نوارها، و دیسکت ها، فیلم ها، باروش های متنوع از لینگافن و غیره وجود دارد و کلاس های زبان خارجی از جدیدترین روش ها



۱- نور ملکوت، علامه طهرانی، جلد ۲، صفحه ۲۶۹.

۲- نور ملکوت، جلد ۳، صفحه ۱۴۸.

برخور دارند و بودجه‌های هنگفتی برای آن صرف می‌شود و در امتحانات مقطعی و کنکورها نقش مؤثری دارد. اما آیا فهم قرآن هم چنین است؟! آیا عربی هم همین‌طور است؟! یا اگر کسی بخواهد عربی بیاموزد آنچنان باید در وادی صعب العبور و سنگلاخ‌های مشکل بیفتد که توبه کار شود؟! پس ای مسلمان! به هوش باش که شیطان‌های بزرگ و کوچک در کمین‌اند تا قرآن را از تو بدزدند و تو را نسبت به آن بیگانه کنند و آن را از خانه‌ها و شهرها بیرون ببرند و در گورستان‌ها بر سر قبرها جای دهند.

مسلمانی که قرآن را فقط دو بار در عمر خود می‌بیند آن هم از روی جلد، نادیده و در بسته، نخوانده و نفهمیده: یکی در میان لوازم عقدش و دیگر در وقت خرید منزل برای تبرک!! باید هم چنین باشد که وقتی پدرش مُرد نتواند یک آیه قرآن برای پدر بخواند بلکه باید قرآن خوانی بیاورد تا بر سر قبر او قرآن بخواند و خودش هم صدای قرآن را تا پس از مرگ نشنود، زهی شقاوت و بدبختی، زهی جهل و نادانی!

امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«قرآن را فراگیرید که آن بهترین گفتارهاست و در آن نیک بیاندیشید که آن بهار دل‌هاست و به نورش شفا طلبید که آن شفای سینه‌هاست و آن را به نیکی تلاوت کنید که آن بهترین داستان‌هاست.»<sup>۱</sup>



### أنس و تعاهد با قرآن

از دستورات مهمی که هزاران بار به آن تأکید شده «تعاهد با قرآن» است یعنی انسان مرتباً با قرآن سر و کار داشته باشد، هر روز آن را بخواند، در نمازها تکرار کند و آن را مرجع هر امری برای خود قرار دهد و با آن أنس بگیرد.

قرآن کتابی است خواندنی و فهمیدنی اما صد حیف و هزار افسوس که مسلمان‌ها غالباً با آن ناآشنا بلکه قهرند لذا فرهنگ قرآن در جامعهٔ مسلمین حاکم نیست.

در روایت است که روزی عمر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل شد و دید آن حضرت ضعف و کسالت دارند، پرسید: خستگی شما از چیست؟ حضرت فرمود: چرا خسته نیاشم که شب گذشته سی سوره از قرآن خوانده‌ام که در آنها هفت سورهٔ طولانی - بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف و انفال و توبه -





بوده است.

عمر گفت: یا رسول الله! خداوند که شما را آمرزیده است

پس این همه تلاش و قرآن خواندن برای چیست؟!

حضرت فرمود: «أيا من بنده شكوري نباشم؟»<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ»<sup>۲</sup>

«خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید.»

و نیز حضرت رضا علیه السلام فرمود، که رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«برای خانه‌های خود نصیب و بهره‌ای از قرآن قرار دهید

زیرا خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود برای اهلش

شادمانی و خیر فراوان می‌آورد و نعمت‌های خداوند بر

آنها زیاده می‌گردد، اما خانه‌ای که در آن قرآن نخوانند بر

اهلش تنگ و کم خیر شود و نعمت‌ها بر آنان ناچیز

گردد.»<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ»<sup>۴</sup>

«افراد شریف و بزرگوار اُمت من آنانند که قرآن را حمل

می‌کنند و شب زنده دارند.»

۱- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۹۸.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۲۰۰.

۳- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۲۰۰.

۴- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۷۷.



- یعنی کسانی که سر و کارشان همیشه با قرآن است و با قرآن همراه‌اند - .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدن قرآن را بسیار دوست می‌داشت یک بار به ابن مسعود فرمود: برای من قرآن بخوان، ابن مسعود می‌گوید: من قرآن را باز کردم و آیاتی از سوره نساء برای آن حضرت خواندم تا رسیدم به آیه ۴۱ که می‌فرماید:

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»

«پس چگونه باشد هنگامی که ما، از هر امتی شهادی بیاوریم و تو را بر تمام آنها شاهد بگیریم؟» در این حال چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پر از اشک شد و فرمود:

فعلاً کافی است و سپس فرمود:

«قرآن بخوانید تا هنگامی که دل‌های شما با آن انس می‌گیرد و با آرامش و نرمی به آن توجه می‌کنید.»<sup>۱</sup>

- یعنی قرآن را با اشتیاق و توجه بخوانید نه با خستگی و ملالت - .

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه جوان مؤمنی قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خون او مخلوط می‌گردد و خداوند او را با سفیران گرامی



خود همراه گرداند.»<sup>۱</sup>

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«قرآن سفره گسترده خداوند است تا آن جا که می توانید

از آن توشه بگیرید، قرآن نور درخشنده و شفای سودمند

است آن را یاد بگیرید و بدان مُشْرِف گردید.»<sup>۲</sup>

آری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمة اطهار

عليهم السلام همگی با قرآن انس داشتند و از خواندن و شنیدن

آن لذت می بردند.

در روایت است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

همه شب قبل از خوابیدن، سوره های مُسَبِّحات را می خواندند و

می فرمودند:

«در این سوره ها آیه ای است که از هزار آیه فضیلتش

بیشتر است.»<sup>۳</sup>

مُسَبِّحات عبارت است از سوره های: حدید، حشر، صف،

جمعه، تغابن و اعلی (که همه با تسبیح شروع می شود).

امام سجّاد علیه السلام می فرمود:

«اگر همه مردم از دنیا بروند و ما بین مشرق و مغرب

کسی نباشد من وحشت نمی کنم زیرا قرآن با من

است.»<sup>۴</sup>



۱- بحار الانوار ج ۹۲ / ص ۱۸۷.

۲- بحار الانوار ج ۹۲ / ص ۲۶۷.

۳- بحار الانوار ج ۹۲ / ص ۳۱۲.

۴- بحار الانوار ج ۴۶ / ص ۱۰۷.

۲۸ \* قرآن، کتاب انس و عمل

و آن حضرت آنقدر قرآن را با صدای زیبا می خواندند که گاهی کسانی که از پشت دیوار خانه ردّ می شدند و صدای حضرت را می شنیدند مدهوش و از خود بی خود می شدند.<sup>۱</sup>

امام کاظم علیه السلام قرآن را با صدای حزین می خواندند و چنان غرق توجّه ذات اقدس ذوالجلال می شدند که گویی با انسانی مخاطبه و گفتگو می کنند.<sup>۲</sup>

حضرت امام رضا علیه السلام را عادت بر این بود که در هر سه روز یک ختم قرآن می کردند و می فرمودند:

«اگر بخواهم در کمتر از سه روز هم ختم قرآن می کنم ولی از هیچ آیه ای نمی گذرم مگر اینکه درحقیقت و شأن نزول و خصوصیاتش تفکر می کنم لذا سه روز طول می کشد.»<sup>۳</sup>



۱- بحارالانوار ج ۴۶ / ص ۶۹.

۲- بحارالانوار ج ۴۸ / ص ۱۱۱.

۳- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۲۰۴.

### تعاهد مسلمین با قرآن

روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار  
علیهم السلام در روحیه مسلمین راستین تأثیر به سزایی داشت و  
آنها هم تعاهد خود را با قرآن محکم می داشتند و همچنانکه  
امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«شبهها به پا می ایستادند و آیات قرآن را با توجه تام  
می خواندند و دوی دردهای خود را از آن جویا می شدند  
پس چون به آیه ای شوق انگیز می رسیدند دل بدان  
خوش می کردند و چون از آیه ای ترس آور می گذشتند  
گوش دل سپرده، نعره شعله های جهنم را در بُن گوش  
خود احساس می کردند.»<sup>۱</sup>

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است که فرمود:  
«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لشگری را



به سوی قومی که در نهایت عداوت و دشمنی با مسلمین بودند گسیل داشت... لشگر پس از مدتی پیروزمندان به برگشت و چنین گزارش داد که یا رسول الله ما وقتی به دشمن نزدیک شدیم آنها برای اغفال ما به شهر خودشان برگشتند و درهای شهر را بستند و چون شب شد یکباره درها را گشودند و بر ما شیخون زدند، لشگریان همه در خواب بودند جز چهار نفر که نگهبانی می دادند، آنها زیدبن حارثه (رئیس سپاه) و عبدالله بن رواحه و قتاده بن نعمان و قیس بن عاصم بودند که هر کدام در گوشه ای از سپاه ایستاده بودند و نماز می خواندند و در نماز خود به قرائت قرآن مشغول بودند. در آن شب تیرهای دشمن ما را هدف قرار داد و ما قادر بر دفاع از خود نبودیم، چون تیرها را نمی دیدیم، مصیبتی بزرگ بود ولی ناگهان قطعه نوری از دهان قیس بن عاصم خارج شد که مانند شعله آتش فروزان بود و نوری از دهان قتاده بیرون آمد که مانند تابش ستاره زهره و مشتری بود و نوری از دهان عبدالله خارج شد مانند شعاع ماه و نیز نوری از دهان زیدبن حارثه ساطع شد که از خورشید طالع رخسانتر بود، این نورها از چهار طرف، لشگرگاه دشمن را روشن کرد، به طوری که از روز روشن تر شد و ما از آن پس آنها را می دیدیم ولی آنها ما را نمی دیدند، لذا به آنها حمله کردیم و شمشیرهای خود را بر آنها نهادیم و اینک با اموال فراوان و اسیران متعدّد به خدمت شما برگشته ایم.



### تعاهد مسلمین با قرآن \* ۳۱

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همه لشگریان به خصوص آن چهارنفر را مورد تفقد و کرامت خود قرار دادند.<sup>۱</sup>

آری مسلمین اینگونه با قرآن ربط داشتند و آن را عاشقانه تلاوت می کردند و از این صحنه های شگفت انگیز در تاریخ اسلام فراوان است.

«در غزوة ذات الرقاع یک شب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نگهبانی لشگر را به عمّار یاسر و عبّاد بن بشر سپردند، آن دو نفر شب را بین خود تقسیم کردند که نیمه اول شب را عبّاد پاسداری کند و نیمه دوم را عمّار، لذا عمّار خوابید و عبّاد به نماز ایستاد، یکی از سپاهیان دشمن که همسرش اسیر شده بود به طرف لشگریان اسلام آمد و تیری به طرف عبّاد پرتاب کرد. تیر بر بدن او نشست، ولی از نمازش دست نکشید، تیر دوم آمد و بر بدن عبّاد اصابت کرد باز نمازش را قطع نکرد. بالاخره تیر سوم هم بر بدن عبّاد نشست، عبّاد - که خارج شدن خون از بدنش زیاد شد - نمازش را تخفیف داد و به پایان رساند و عمّار را از خواب بیدار کرد، عمّار با صحنه ای عجیب روبرو شد، دید تیرها بر بدن عبّاد فرو رفته است. گفت: شگفتا! چرا در اولین تیری که خوردی مرا بیدار نکردی؟!»

عبّاد گفت: ای عمّار! من در حال نماز بودم و سوره کهف



را می‌خواندم که تیر اول آمد ولی دوست نداشتم قرآن را  
قطع کنم و اگر نگران آن نبودم که دشمن به پیغمبر اکرم  
صلی الله علیه و آله و سلم صدمه‌ای بزند و در امر  
مرزبانی کوتاهی کرده باشم از آن سوره دست بر نمی  
داشتم گرچه روح از بدنم پرواز می‌کرد.»<sup>۱</sup>

بلی آنان این طور با قرآن انس داشتند و در خلوت با خدا آن  
را تلاوت می‌کردند و به طوری در عوالم معنای قرآن غرق  
می‌شدند که راضی بودند جان تسلیم کنند و از لذت مکالمه با  
خدا دست نشویند.

این صحنه‌ها را مقایسه کنید با نمازهای خودمان که از  
کوچکترین سوره‌ها برای نماز استفاده می‌کنیم تا مبادا خطی از  
قرآن خوانده باشیم و یا سوره‌ای جز قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ یاد بگیریم.  
حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«مردم امر شده‌اند که در نمازهای خود قرآن را قرائت  
کنند - و بعد از حمد مقداری از آن بخوانند - تا قرآن  
متروک و ضایع نشود بلکه پیوسته آن را حفظ کنند و به  
درس و تعلیم آن مشغول باشند که در این فرض، دیگر  
قرآن از بین نمی‌رود و نادیده و ناشناخته نمی‌ماند.»<sup>۲</sup>



۱- بحارالانوار ج ۲۲ / ص ۱۱۶، با تلخیص. در بحار ج ۲۰ / ص ۱۷۷ اسم غزوه  
آمده است.

۲- بحارالانوار ج ۸۵ / ص ۵۴.



## غربت قرآن

حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«سزاوار است که هرکس بعد از تعقیب نماز صبح پنجاه

آیه از قرآن بخواند.»<sup>۱</sup>

چه رسم خوبی بود در گذشته نه چندان دور که تقریباً همه مردم وابسته به جلسات مذهبی بودند و یکی از برنامه های اساسی آنها قرائت قرآن و تصحیح آن و تجوید بود، در این جلسات که غالباً هفته ای یکبار و گاهی دوبار تشکیل می شد همه اقشار مردم از کاسب و کارگر و تاجر و پزشک، از سن بچه دبستانی تا پیرمرد سالخورده شرکت می کردند و هرکدام به فراخور سواد و موقعیت خود مطلبی می آموختند و به برکت قرآن، مسائل شرعی و اخلاقی و تفسیر و تاریخ اسلام هم برای آنها گفته می شد.



و لذا ما شاهد بودیم که افرادی شغل‌های بسیار جزیی داشتند ولی وقتی سخنی پیش می‌آمد، مانند یک طلبه در سر خوانده به تفسیر و تاریخ و قرآن وارد بودند.

اما افسوس که دست جنایت کار دشمنان اسلام برای آن که مسلمین را از قرآن جدا کند هر روز نغمه‌ای تازه ساز کرد و به نیرنگی جدید دست آورد تا آن جا که مطالب پوچ و مبتذل خود را بارنگ و بویی دل‌پسند، مفت و مجانی در معرض دیده‌ها گذاشتند و مقاصد شو‌مشان را در روزنامه‌ها و مجلات، همراه صدها عکس و داستان به خورد مردم دادند و جوانان مسلمان را گول زدند و با حيله‌های شیطانی خود سرگرم کردند.

این نقشه‌ها به زودی در جامعه رخنه کرد و فرهنگ جوانان را از انس با قرآن تغییر داد و آنها را به خواندن روزنامه و ورق زدن مجله و دنبال کردن داستان‌های سریال و زیرو رو کردن عکس‌های مهیج واداشت.

کم کم قرآن‌ها بر سرطاقچه‌ها تنها ماند و گرد غریبی گرفت. خداوند عزوجل در سوره فرقان آیه ۳۰ می‌فرماید:

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

«و پیامبر ما گفت: پروردگارا! قوم من قرآن را تنها

گذاشتند و آن را غریبانه رها کردند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«در روز قیامت سه چیز شکایت می‌کند:

قرآن، مسجد و عترت.



قرآن می‌گوید: پروردگارا! مرا از وضعیتی اصلی‌ام کنار زدند و پاره پاره کردند.

مسجد می‌گوید: پروردگارا! مرا تعطیل گذاردند و ضایع نمودند.

عترت می‌گوید: بار پروردگارا ما را کشتند و پراکنده کردند.»<sup>۱</sup>

امام صادق علیه‌السلام، در ضمن روایتی می‌فرماید:

«قرآنی که فراموش شود و بر آن غبار بنشیند و کسی آن

را قرائت نکند به درگاه الهی شیکوه می‌کند.»<sup>۲</sup>

بله اگر مسلمان‌ها می‌دانستند قرآن چه گوهر گرانبهایی است و با چه خون دلی به دستشان رسیده و چه سرها در پای آن بالای دار رفته، آن را هرگز فراموش نمی‌کردند.

من نمی‌دانم آنان که اصلاً با قرآن کاری ندارند و حتی آیه‌ای از آن را نمی‌توانند بدون غلط بخوانند در حالی که زبان‌های خارجی را مانند آب روان می‌خوانند، این‌ها برای شب اول قبر که از آن‌ها پرسیده می‌شود: «کتاب تو کدام است؟» چه جوابی آماده کرده‌اند؟!

آیا فضاحت و خجالت از این بالاتر می‌شود که یک مسلمان، کتاب دینش را نتواند بخواند و عمری را سپری کند و آن را نفهمد؟!

۱- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۴۹.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۹۵.



۳۶ \* قرآن، کتاب اُنس و عمل

خداوندا! ما را توفیق ده، تا با قرآن آشتی کنیم و به دامن  
پر نعمتش بازگردیم.

پروردگارا! شبِ تاریکِ قهرِ ما را با قرآن به صبح امیدبخش  
اُنس با قرآن تبدیل فرما و به هجران ما از قرآن پایان بخش.

آمین، یا ربّ العالمین!



### قرآن، ضامن سعادت بشر

هر انسانی به دنبال خوشبختی و سعادت خویش است و باید به ناچار روشی برای زندگی خود انتخاب کند تا به هدف نهایی اش برسد، همچنانکه همه اجزای جهان هدف دار آفریده شده‌اند.

اما با تأسف فراوان انسان‌ها غالباً هدف خود را گم می‌کنند و به بیراهه کشیده می‌شوند.

فرصتی را که برای پیمودن راه دارند به بازی و بطالت می‌گذرانند و از سازنده و خالق خود دور می‌افتند.

قرآن کتابی است که انسان را با خدای آفریننده‌اش آشنا می‌سازد و به سوی او رهنمون می‌گردد، که تمام سعادت‌ها، در شناخت واقعی خداست و هر مکتب و مرامی که به این هدف مقدس توجه نکند هرگز روی سعادت را نبیند.

خداوند عزوجل در سوره زمر آیه ۴۱ می‌فرماید:



«إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَ

مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ»

«ما قرآن را به حقّ به‌سوی تو نازل کردیم، پس هرکس

با پیروی از آن هدایت یافت بهره‌اش برای خود اوست،

و هرکس با سرپیچی از معارفش گمراه شد زیانش

گریبانگیر خود اوست و تو ای پیامبر بر آنها وکیل

نیستی»



### قرآن، کتاب جهانی

قرآن مجید بارها و بارها مردم جهان را با لفظ «یا ایها الناس» خطاب می‌کند چون به قوم خاصی تعلق ندارد و خطابات آن کلی است.

کلماتی از قرآن مانند «عَالَمِین» به معنای همه جهانیان

یا «بَشَر» به معنای انسان‌ها

یا «مَنْ بَلَّغ» به معنای هرکس که این سخن به او برسد

و امثال آنها، همه شاهد بر این مطلب است که سفرهٔ پربرکت قرآن برای همهٔ انسان‌ها گسترده شده و هر قوم و ملتی را به بهره‌گیری از معارف بلندش دعوت می‌کند،

تاریخ هم این مطلب را به اثبات رسانیده است و از صدر اسلام تا به حال از همهٔ مذاهب مختلف یهود و نصاری و بت پرست، و نیز از همهٔ ملّت‌ها و امّت‌های گوناگون مانند سلمان فارسی و صُهَیب رومی و بلال حبشی دعوت قرآن را پذیرفته‌اند.



خداوند عزوجل در سوره یونس آیه ۵۷ می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ  
لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ.»

«ای مردم به تحقیق از جانب پروردگارتان موعظه و  
پندی برای شما آمد که برای دردهای درونی شما  
شفابخش، و برای مؤمنین هدایت و رحمت است.»





## قرآن، کتاب جاودان

خداوند عزوجل در سوره فصلت آیه ۴۱ و ۴۲ درباره قرآن می‌فرماید:

«...وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ \* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ  
لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»

«و به راستی قرآن کتابی است عزیز و بلندمرتبه که دست هیچ باطل‌کننده‌ای به آن نرسد نه از پیش روی آن و نه از پشت سرش بلکه قرآن از جانب خداوند حکیم و ستوده صفات، فرو فرستاده شده است.»

معارف قرآن برخاسته از حقایق ثابتی است که با گذشت زمان کهنه نمی‌گردد و تغییر نمی‌پذیرد، چرا قوانین بشری دستخوش تغییر است؟ چون تراوش فکر اوست و فکر انسان در طول زمان تکامل می‌یابد ولی قرآن ثابت است چون کلامی است از جانب خدای جهان که همیشه بوده و هست.



آیات قرآن از دریا عمیق‌تر و از کوه‌ها راسخ‌تر است چون  
حق است و سخن حق را زوالی نیست:

«... فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ...»<sup>۱</sup>

«از حق که گذشتی آیا چیزی جز ضلالت و گمراهی  
هست؟»

از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: چرا هرچه قرآن را  
می‌خوانیم و درس می‌گیریم هنوز تازگی دارد بلکه هر بار بر  
طراوتش افزوده می‌گردد؟!!

حضرت فرمود: زیرا خداوند تبارک و تعالی آن را برای  
زمان خاصی و یا قوم ویژه‌ای قرار نداده است:

«فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى  
يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

«پس قرآن در هر زمانی جدید است و برای هر گروهی  
تازگی دارد تا روز قیامت.»<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در ضمن خطبه طویلی  
می‌فرماید:

«خدای متعال قرآن را سیراب‌کننده عطش علماء و بهار  
قلب فقها قرار داد و آن دوايي است که بعد از آن دوايي  
نیست و نوری است که با آن ظلمتی نیست.»<sup>۳</sup>



۱- سوره یونس (۱۰) / آیه ۳۲.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

### قرآن، کتاب انطباق

نظر به این که قرآن، جاودانه و برای همهٔ اعصار و کلیهٔ انسان‌هاست لذا آیات و احکامش در شرایط مساوی، قابل تطبیق بر همهٔ افراد مشابه است مثلاً آیاتی که در شرایط خاصی برای مؤمنین زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و تکالیفی را به دوش آنها گذارده عیناً در مورد افراد دیگری که در همان شرایط باشند تطبیق می‌کند گرچه قرن‌ها از آن زمان گذشته باشد و نیز آیاتی که صاحبان صفات زشتی را مذمت می‌کند در مورد سایر کسانی که آن صفات را داشته باشند کاملاً جاری و منطبق است و همهٔ آن مذمت‌ها برای آنان هم خواهد بود. این خاصه در روایات ما «جَزْئِي وَ تَطْبِيقِي» نامیده شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«قرآن زنده است و هرگز نمی‌میرد... پس اگر آیه‌ای دربارهٔ گروهی نازل شد و آن گروه منقرض شده و از بین



رفتند، در صورتی که آن آیه مخصوص همان گروه باشد  
بامردن آن‌ها آن آیه هم می‌میرد و به این ترتیب قرآن  
خواهد مرد در حالی که قرآن برای همه آیندگان جاری  
است همان گونه که برای گذشتگان جاری بوده است و  
قرآن جریان دارد همان گونه که شب و روز و آفتاب و ماه  
جریان دارند.»<sup>۱</sup>

بنابراین، هنگام خواندن قرآن باید از سرگذشت‌های قرآنی  
و خطابات آن درس بگیریم و وقتی می‌خوانیم «یا ایُّهَا الَّذِیْنَ  
آمَنُوا» این گونه بدانیم که الآن رسول خدا صلی الله علیه و آله و  
سَلَّمَ در مسجد نشسته و این آیه را برای ما می‌خواند و عمل به آن  
را از ما طلب می‌فرماید.

لذا امام صادق علیه السلام فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَمَا وَجَدْتُمْ آيَةً نَجَا مِنْهَا مَنْ كَانَ  
قَبْلَكُمْ فَاعْمَلُوا بِهِ وَ مَا وَجَدْتُمُوهُ مِمَّا هَلَكَ مَنْ كَانَ  
قَبْلَكُمْ فَاجْتَنِبُوهُ.»<sup>۲</sup>

«بر شما باد به قرآن پس اگر در آیه‌ای نجات قومی را در  
اثر عملی یافتید شما هم آن عمل را انجام دهید و نیز اگر  
هلاکت گروهی را در آیه‌ای خواندید از عمل آنها اجتناب  
کنید.»



۱- بحارالانوار ج ۳۵ / ص ۴۰۳.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۹۴.

### قرآن، کتاب فهم و اندیشه

قرآن کریم با تمام بلندی مرتبه‌اش آن چنان معانی عالی و لطیفش را با زبان ساده و آشکار بیان می‌کند که هرکس به زبان آن آشنا باشد آیات کریمه‌اش را می‌فهمد و پیام آن را می‌گیرد چرا که قرآن سراسر نور است و برای هدایت مردم فرستاده شده.

لذا خداوند عزوجل، در سوره ص آیه ۲۹ می‌فرماید:

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ.»

«قرآن کتابی است مبارک که بر تو نازل کردیم تا در

آیاتش بیندیشند و خردمندان پند گیرند.»

و نیز در سوره قمر آیه ۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰- این آیه تکرار

می‌شود:

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»



«و به تحقیق ما قرآن را برای پندآموزی و تذکر، آسان کرده‌ایم پس آیا پندگیرنده و یادآورنده‌ای هست؟»  
از این آیات و آیات بسیار دیگری که انسان‌ها را به تعقل و تفکر فرامی‌خواند به خوبی روشن است که باید در این کتاب عظیم اندیشه کرد و در آیاتش تدبّر نمود تا به خطاب تند پروردگار، پاسخ مثبت داده شود که فرمود:

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا<sup>۱</sup>

«آیا در این قرآن نمی‌اندیشند یا مگر بر دل‌هاشان قفل نهاده شده است؟!»

در این جا تذکر دو مطلب لازم به نظر می‌رسد:

مطلب اول آنکه قرآن ظاهری دارد و باطنی به این معنا که معارف آن به قدری عالی است که هر کس در هر مرتبه‌ای از علم و فهم و ادراک باشد می‌تواند از آن استفاده کند، اما آنچه یک مسلمان عامی می‌فهمد کجا و آنچه عالمان می‌فهمند کجا؟! و نیز فهم عالمان کجا و امامان معصومین کجا؟! آنها خود از قرآن نور می‌گیرند و سپس برای مردم بیان می‌کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام راهنما و معلم قرآنند بنابراین هر کس باید بکوشد تا درجه فهم خود را بالا ببرد و از معارف باطنی قرآن بهره‌مند گردد.

قرآن همانند اقیانوسی است ژرف و عمیق که اگر کنار آن بایستی از موج و زیبایی‌اش بهره‌می‌گیری، و اگر داخلش شوی از



طراوفت و لطفش لذت می‌بری و اگر به اعماقش روی از لؤلؤ و مرجانش توشه برمی‌داری و این اقیانوس را هرگز پایانی نیست.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«به درستی که من دانا هستم به آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین‌هاست و می‌دانم آن چه را که در بهشت است و آن چه در دوزخ است و نیز عالم و دانا هستم به هرچه در گذشته بوده و هرچه در آینده خواهد بود، سپس حضرت کمی ساکت شدند و دیدند این سخن بر شنوندگان سنگین آمده است، لذا فرمودند:

«عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِيهِ تَبَيَانُ كُلِّ

شَيْءٍ»

«من این همه علم و دانش را از کتاب خدا فهمیده‌ام زیرا

خداوند می‌فرماید: قرآن روشن‌گر هر چیزی است.»<sup>۱</sup>

با توجه به این روایت و امثال آن می‌فهمیم که هرچه انسان بالاتر رود و قلبش به مقام قدس ربوبی نزدیک‌تر گردد از نور قرآن بیشتر استفاده می‌کند و از ظاهر آن عبور کرده به باطنش راه می‌یابد.

حضرت امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید:

کتاب خدا، قرآن، دارای چهار مرتبه است:

۱- عبارت، ۲- اشارت، ۳- لطایف، ۴- حقایق.

اما عبارت - که همان ظاهر باشد - برای عامه مردم است



و اما اشاره برای خواص

و لطایف برای اولیاء

و حقایق آن برای انبیاء است.<sup>۱</sup>

مطلب دوم آنکه آیا این مکتب پُر فیض و این دریای پرگوهر  
قرآن را معلّم و آموزگاری هست یا هرکس به سلیقه خود  
می تواند از ظاهر آن بگذرد و به باطنش دست یابد؟

جواب این سؤال در روایات فراوانی آمده و رسول خدا  
صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام خود را  
معلّم قرآن معرفی کرده اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به امیرالمؤمنین علی  
علیه السلام فرمودند:

«تو بعد از من حقایق قرآن را به مردم تعلیم کن»<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمودند:

«از کتاب خدا از من سؤال کنید به خدا قسم هیچ آیه ای  
نازل نشده نه در شب و نه در روز، نه در سفر و نه در  
خضر، مگر اینکه آن را رسول خدا صلی الله علیه و آله و  
سلم برای من خوانده، و حقیقتش را بیان فرموده... اگر در  
موقع نزول آیه ای من غایب بودم رسول خدا صلی الله  
علیه و آله و سلم آن را بعد از آمدنم برای من می خواند و  
تأویل و تنزیلش را به من تعلیم می فرمود.»<sup>۳</sup>



۱- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۲۰.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۹۲.

۳- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۷۸.



و نیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود:

«اگر بخواهم می توانم آنقدر در تفسیر سوره حمد بیان

کنم که هفتاد شتر، نوشته آن را به سنگینی حمل کنند.»<sup>۱</sup>

ابن عباس می گوید:

«یک شب در خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

بودم آن حضرت برای من از تفسیر حروف الحمد (الف -

لام - حا - میم - دال) بیاناتی فرمود و این تفسیر تا

سفیدی صبح طول کشید من از خدمت آن حضرت بلند

شدم و آنچه فرموده بود، فرا گرفتم و پیش خود گفتم:

علم من به قرآن نسبت به علم آن حضرت مانند گودال

آبی است نسبت به دریا.»<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ائمه اطهار

علیهم السلام فرمود:

«هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ»<sup>۳</sup>

«آنها با قرآنند و قرآن با آنهاست.»

لذا امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند:

«من به آینده و گذشته دانا هستم همچنان که به کف

دستم نگاه می کنم.»<sup>۴</sup>

اینها همه در رابطه با علم به مقام مکنون قرآن است زیرا

۱- بحارالانوار ج ۹۲ / ۱۰۳.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۰۴، با تلخیص.

۳- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۹۹.

۴- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۹۸.



۵۰ \* قرآن، کتاب انس و عمل

قرآن را دو مقام است: تنزیل و مکنون.

مقام تنزیل قابل فهم مردم است ولی مقام مکنون از دسترس  
ناپاکان خارج می‌باشد لذا خداوند در سوره‌ واقعہ آیات ۷۷  
تا ۸۰ می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ \* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ \* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا  
الْمُطَهَّرُونَ \* تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

این پیام، قرآنی است ارجمند در کتابی محفوظ و نهفته  
\* که جز پاک شدگان، حقایق آن را مسّ نکنند \* و از  
جانب پروردگار عالمیان به پایین نازل شد تا قابل فهم  
مردم گردد»



### تمسک به قرآن

خداوند عزوجل در سوره اعراف (۷) آیه ۱۷۰ می فرماید:

«وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا  
لَنُضِيعَ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ»

«و آنان که به کتاب خدا چنگ می زنند و نماز را به پا  
می دارند (اصلاح گر و صلاح اندیشند) و (بدانید) ما اجر  
مصلحین را ضایع نخواهیم کرد.»

آیات قرآن، سراسر دلالت و راهنما و دارو و نور و غذای  
معنوی است و در هر یک از مراحل زندگی وارد می شود و  
دست انسان ناتوان را می گیرد و او را در انجام دادن امور و  
وصول به مقاصد بلند اعانت می نماید.

قرآن چراغی است درخشان برای هدایت به حقایق این عالم  
که بر هر مسلمانی لازم است بر آن چنگ می زند و بدان اعتقاد  
یابد و آن را راهبر و راهنمای خود قرار دهد.



رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«ای مردم شما در خانه هُذَنه هستید و بر پشت مرکب سفر سوارید و شما را به سرعت می‌برند... پس ساز و برگ خود را برای این سفر دور و دراز مهیا کنید.»  
مقداد گفت: یا رسول الله! مقصود از خانه هُذَنه چیست؟  
حضرت فرمود: «خانه‌ای که فقط در آن ابلاغ می‌شود و تذکر داده می‌شوید و باید آن را به زودی ترک کنید.

﴿فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ  
فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ.﴾

«پس هرگاه فتنه‌های گوناگون همچون پاره‌های شب تاریک شما را دچار اشتباه و تحیر نمود بر شماست که به قرآن روی آورید و بدان تمسک جوید و آن را راهنما و دلیل خود قرار دهید زیرا که قرآن اگر از کسی شفاعت کند شفاعتش قبول است و اگر از کسی سعایت و بدگویی نماید باز هم مورد تصدیق خداوند است، کسی که قرآن را جلودار خود قرار دهد قرآن او را به بهشت می‌کشانند و کسی که قرآن را پشت سر خود افکند و از آن اعراض نماید قرآن او را به جهنم می‌راند... قرآن کلامی است قاطع که در آن شوخی یافت نگردد... ظاهرش شگفت آور و باطنش عمیق است، عجایبش به شماره نیاید و غرایبش کهنه نشود.»<sup>۱</sup>



امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«بدانید این قرآن نصیحت گری است که در اندرزش غش نمی‌کند و راهنمایی است که انسان را به گمراهی نمی‌افکند و سخنگویی است که دروغ‌پردازی ندارد، هیچکس با قرآن همنشین نشد مگر آنکه چون از کنار او برخاست نور هدایتش زیاد و نابینایی و گمراهی و حیرتش کم شد و بدانید بعد از عمل به قرآن کسی را حاجت و فقری باقی نمی‌ماند و قبل از عمل به آن برای کسی بی‌نیازی نیست بنابراین از قرآن شفا بخواهید و برای رفع گرفتاری‌ها کمک بگیرید زیرا که قرآن شفای بزرگترین دردها یعنی کفر و نفاق و گمراهی است، پس خدا را به قرآن بخوانید و با دوست داشتن و پیروی از آن به خدا توجه کنید.»<sup>۱</sup>



## تأثیرات قرآن

خداوند عزّوجلّ در سوره زمر (۳۹) آیه ۲۳ می فرماید:  
«خداوند زیباترین سخن را به صورت کتابی... نازل  
فرمود، آنانکه از پروردگارشان می هراسند پوست بدنشان  
از این قرآن به لرزه می افتد و سپس همراه قلبشان به یاد  
خدا نرم می گردد این است هدایت خدا هرکه را که  
بخواهد و اما آن کس را که خداوند گمراه کند او را راهبری  
نیست.»

قرآن دارای لهجه و اسلوبی است شگفت آور که معجزه آسا  
بر دلها می نشیند و جانها را تسخیر می نماید. شیوایی و  
شیرینی قرآن به گونه ای است که بر همگان تأثیر می گذارد. از  
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گرفته تا ائمه اطهار  
علیهم السلام و مسلمین و حتی بت پرستان و مشرکین.  
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:



«من تعجب می‌کنم چرا قرآن خواندنم مرا پیر نمی‌کند.»<sup>۱</sup>  
 امام صادق علیه‌السلام در نماز خود مشغول خواندن قرآن بودند که یکباره مدهوش شدند، پس از اینکه به حالت عادی برگشتند از آن حضرت علت آن را پرسیدند، حضرت فرمود:  
 «من آنقدر آیات قرآن را تکرار کردم که گویی آن آیات را از خداوند شنیدم.»<sup>۲</sup>

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید تا قرآن بیاموزد، چون به این گفتار خداوند رسید:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»

«پس هرکسی به مقدار سنگینی یک ذره کار خیری انجام دهد آن را می‌بیند و هرکس به قدر سنگینی یک ذره کار بدی انجام دهد آن را می‌بیند.»

آن مرد گفت: این آیه مرا بس است و از همان جا مراجعت کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «این مرد برگشت در حالی که مردی فقیه است.»<sup>۳</sup>

یعنی آنقدر این آیه در او اثر کرد که گویی به همه امور آگاه شد و او تا آخر عمر راه سعادت خود را از همین آیه پیدا کرد.

فُضَيْلُ بْنُ عِيَاضٍ که راهزنی بود در بین ابی‌ورد و سرخس، عاشق دختری شد نیمه شب از دیوار منزل او بالا رفت که یکباره

۱- بحارالانوار ج ۱۶ / ص ۲۵۸.

۲- بحارالانوار ج ۴۷ / ص ۵۸.

۳- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۰۷.



شنید شخصی در تاریکی این آیه را می خواند:

«الْمُ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ»<sup>۱</sup>

«آیا هنوز وقت آن نرسیده که دل آنان که ایمان آورده اند به ذکر خدا خاشع شود و در برابر آنچه به حق نازل شده فروتن و تسلیم گردد؟»

فضیل همان جا بالای دیوار گفت: «یا رَبِّ قَدْ أَنْ»

«ای پروردگار من! به تحقیق که وقتش رسید»

و فوراً از همان جا برگشت و توبه کرد و به محضر امام صادق علیه السلام رفت و از اصحاب خاص آن حضرت شد و او یکی از راویان معتبر و مورد وثوق است.<sup>۲</sup>

همین فضیل پسری داشت به نام علی که روزی در مسجد الحرام بود و شنید شخصی این آیه را می خواند:

«و تَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ \*»

سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطَرَانٍ وَ تَعَسَىٰ وُجُوهُهُمْ النَّارُ»<sup>۳</sup>

«و در روز قیامت مجرمان را می نگری که در غلها و زنجیرها بسته شده اند لباسهایشان از قطران «مادّه آتش زا» است و آتش جهنم چهره هایشان را پوشانده است.»



۱- سوره حدید (۵۷)، آیه ۱۶.

۲- سفینه البحار، ماده فضل.

۳- سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۴۹ و ۵۰.



علی بن فضیل با شنیدن این آیه ناگهان ناله‌ای زد و به زمین افتاد و جان داد.<sup>۱</sup>

بله آیات قرآن وقتی به نفوس مستعد و آماده می‌رسد آنچنان در دل، جای می‌گیرد که دیگر جایی برای چیز دیگر باقی نمی‌گذارد،

دل را تسخیر می‌کند و جان را صفا می‌بخشد.

و از این عجیب‌تر داستان دشمنان قرآن است که در عین عداوت و بغض و کینه نسبت به قرآن وقتی آیات آن را می‌شنیدند بی‌اختیار خاضع می‌شدند و در برابر عظمت آن سر تسلیم فرود می‌آوردند حتی شب‌ها در تاریکی، دور از چشم دیگران، پشت دیوار خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمدند تا صدای آن حضرت را که به خواندن قرآن مشغول بودند بشنوند و لذت ببرند با آنکه آن‌ها مسلمان نبودند و خودشان در ادبیات و شیوایی کلام، سرآمد عرب بودند و اشعار دلربا و دل‌نشین خود را به دیوار کعبه می‌آویختند اما کلام و شعر آنان کجا و قرآن کجا؟!

یکی از فصیحان عرب که دشمنی زیادی هم با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشت ولید بن مغیره است که قوم قریش نزد او آمدند و گفتند: این کلماتی که «محمد» می‌گوید چیست؟ شعر است یا سحر؟ یا حماسه و خطابه؟ ولید گفت: بگذارید من قدری از آن بشنوم پس به رسول خدا صلی الله علیه



۵۸ \* قرآن، کتاب انس و عمل

و آله و سلم نزدیک شد و گفت: ای محمد! از آن شعرهاایت برای من بخوان حضرت فرمود: اینها شعر نیست کلام خداست. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیاتی از سوره حم سجده را خواندند، چون رسیدند به این آیه:

«فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ»<sup>۱</sup>

«پس اگر مشرکین از پذیرش قرآن روی گردانند به آنها بگو من شما را از صاعقه آسمانی همچون صاعقه‌ای که بر قوم عاد و ثمود فرود آمد و همه را هلاک کرد می‌ترسانم.»

در این هنگام، حال ولید دگرگون شد و لرزه بر اندامش افتاد و مو بر بدنش راست شد و رفت در خانه‌اش و دیگر به سوی قریش برنگشت.

بعد از آن از ولید گله کردند که تو ما را پیش «محمد» سرافکنده کردی!

ولید گفت: نه، این کلامی که من شنیدم کلامی است جذاب و دل فریب، نه شعر است، نه نثر، بگذارید من درباره آن فکر کنم، روز بعد گفت: کلام محمد سحر است که دل‌ها را فریفته که در این هنگام آیات مبارکه سوره مدثر نازل شد که در آن آمده است:

«او (یعنی ولید) دشمن آیات ما بود \* به زودی او را به



بالارفتن از گردنه عذاب وادار می‌کنیم \* او فکر کرد و می‌خواست کلام ما را اندازه‌گیری کند و با کلام بشر بسنجد \* پس مرگ بر او باد، چگونه می‌تواند کلام ما را بسنجد \* پس مرگ بر او باد \* آن‌گاه نظر انداخت و قرآن را در نظر خود زیر و رو کرد \* پس رو ترش نمود و چهره در هم کشید \* و سپس پشت کرد و تکبر ورزید \* پس گفت: این قرآن چیزی جز سحر نیست \* سخنی جز سخن بشر نیست \* زود است که او را به جهنم درآورم \* و چه می‌دانی جهنم چگونه است \* نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند \* - بلکه - پوستها را سیاه، می‌گرداند.»<sup>۱</sup>

این است نمونه‌های کوچکی از تأثیرات قرآن که بر دل دوست و دشمن اصابت می‌کند و هیچ کس را یارای مقابله با آن نیست.



### آداب قرائت قرآن

همان طوری که در قسمت‌های گذشته دیدیم در روایات بسیاری بر قرائت قرآن تأکید شده است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«قلیها همچون مس زنگار می‌گیرند، آن را به استغفار و تلاوت قرآن جلا دهید.»<sup>۱</sup>

اما آداب قرائت را در چند بخش بیان می‌کنیم:

#### الف: ترتیل

در قرآن مجید، سوره مزمل (۷۳)، آیه ۴ می‌فرماید:

«وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً»

یعنی: قرآن را به صورت ترتیل قرائت کن.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانشان نقل می‌کنند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم



پرسیدند: معنای این آیه چیست که می‌فرماید: «قرآن را با ترتیل بخوان؟»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یعنی آن را روشن و واضح بخوان و کلماتش را مانند دانه‌های شن منتشر و متفرق مکن که جمع کردنش مشکل باشد و بدین جهت معنایش مفهوم نگردد و نیز آن را مانند شعر به سرعت نخوان که در هم پیچیده و نامفهوم شود بلکه در موقع خواندن، وقتی به عجایبش می‌رسی توقف و مکث کن و با آن دل و جان خود را به حرکت درآور و از آنها پند بگیر و قصد کسی از شما آن نباشد که سوره‌ای را به آخر برساند و بدون توجه به معانی آن، صفحات زیادی را بخواند که در این صورت بهره کامل نخواهید برد.»<sup>۱</sup>

از این حدیث شریف و بسیاری از روایات دیگر معلوم می‌شود قرائت قرآن برای فهمیدن و تدبیر و تفکر در آن است و تنها قرائت موجب استفاده تمام نیست.

### ب: اقسام قاریان قرآن

در روایات فراوانی قاریان بدون عمل که تنها به قرائت قرآن توجه دارند و از تدبیر و تأمل در آیات آن غافلند، مذمت‌های شدیدی شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:



«رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ»<sup>۱</sup>

«چه بسیار قاریان قرآنی که قرآن آنها را لعنت می‌کند.»

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«هرکس قرآن را بخواند و پس از مرگ داخل جهنم شود

- بدانید - او از کسانی بوده که آیات خدا را به مسخره

گرفته است.»<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام از پدران نشان نقل می‌کنند که

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

در جهنم آسیابی است که می‌چرخد و خُرد می‌کند. آیا

نمی‌پرسید چه چیز را خُرد می‌کند؟ گفتند: یا

امیرالمؤمنین! آن آسیاب چه چیز را خُرد می‌کند؟ حضرت

فرمود: عالمان گناهکار و قاریان فاسق و زورگویان

ستمگر و وزیران خائن و پیشکاران دروغگو را.»<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود:

قاریان قرآن سه دسته‌اند:

دسته اول: کسانی که قرائت قرآن را مال التجاره و

سرمایه خود قرار داده‌اند تا از ملوک، طلب بخشش کنند

و به مردم منت گذارند و فخر فروشند.

دسته دوم: کسانی که در قرائت خود، حروف را محافظت

می‌کنند و آنها را به‌طور صحیح می‌خوانند اما حدود آن

آیات را ضایع می‌کنند، - یعنی به آیاتی که می‌خوانند



۱ و ۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۸۴.

۳- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۸۰.

عمل نمی‌کنند..

دسته سوم: کسانی که قرآن را قرائت می‌کنند و آن را دوا می‌دهند، شب را با قرآن صبح می‌کنند و روز را با زبان تشنه به حال روزه به سر می‌برند. در نمازها از قرآن تلاوت می‌کنند و با قرآن به بستر راحت می‌آرند، اینان کسانی هستند که خداوند عزوجل بلا را از مردم به خاطر آنان دفع می‌کند و قدرت را از دشمن می‌گیرد و از آسمان باران رحمت نازل می‌فرماید. پس به خدا قسم، این دسته در بین قاریان قرآن نادرتر و کمیاب‌ترند از کبریت احمر.<sup>۱</sup>

از این روایات کوبنده می‌فهمیم تا به حال از هرچه قرآن خوانده‌ایم و آن را سرسری انگاشته و بی‌تأمل گذشته‌ایم باید استغفار کنیم و به خداوند پناه ببریم که از قاریان مذمت شده و جهنمی نباشیم.

### ج: قرائت با صوت

در پاره‌ای از روایات، قرائت قرآن با آواز خوب سفارش شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حِلْيَةً وَحِلْيَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ.»<sup>۲</sup>

«هرچیزی را زیوری است و زیور قرآن صدای نیکوست.»



و نیز آن حضرت فرمود:

«زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ»<sup>۱</sup>

«قرآن را با صداهای خود زینت دهید.»

اما از طرفی هم در پاره‌ای از روایات، بعضی از انواع صداها مذممت و تحریم شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«قرآن را به لهجه و لحن عرب بخوانید ولی مبدا آن را به لهجه اهل فسق قرائت کنید، بعد از من گروهی خواهند آمد که با قرآن چهچه می‌زنند همانطوری که غنا و آواز را در گلو می‌چرخانند، اینها کسانی هستند که قرآن از حنجره آنها تجاوز نمی‌کند و به همین صوت خود گول خورده‌اند، کسانی هم که از قرائت آنها تعجب می‌کنند و خوششان می‌آید مانند آنها گول خورده و فریفته‌اند.»<sup>۲</sup>

لذا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: «چه کسی بهترین صورت را نسبت به قرآن دارد؟» یعنی مقصود شما از صدای نیکو چیست؟  
حضرت فرمودند:

«مَنْ إِذَا سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ»

«کسی که وقتی قرائتش را می‌شنوی، ترس و خشیت خدا را در خواندنش ببینی»<sup>۳</sup>



۱ و ۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۹۰.

۳- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۱۹۵.



حضرت رضا علیه السلام از پدرانشان روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من می‌ترسم بر شما از اینکه دین را سبک بشمارید و اینکه قاضیان شما را به پول بخرند تا به نفع آنان حکم کنند و نیز قطع رحم کنید و می‌ترسم از اینکه:

«أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ»

«قرآن را با آلات لهو و موسیقی بخوانید و نیز آن کس که از همه بهتر نیست جلو بیندازید و حاکم خود قرار دهید.»<sup>۱</sup>

شما را به خدا آیا این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معجزه نیست؟! آیا نمی‌بینید امروزه در کشورهایی به نام اسلام قرآن را همراه با فلوت و نی و آلات دیگر موسیقی می‌خوانند و مضامین شریف آن را در زیر چکمه‌های امیال نفسانی و شهوات شیطانی خود لگدکوب می‌کنند؟ و آیا نمی‌بینید بیشتر سردمداران و حاکمان کشورهای اسلامی، افرادی دین فروش و لامذهب و جیره خوار یهود و غلام حلقه به گوش صهیونیسم و آستن سلطه جهانخوارانند؟ اینها همه پیش بینی‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که امروزه صورت تحقق پیدا کرده و همه کس آن را بالعیان مشاهده می‌کند.

اینجاست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با



حسرت و نگرانی تمام می‌فرمایند:

«سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ  
وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ.»

بر امت من زمانی خواهد آمد که از قرآن چیزی نماند جز رسمش و از اسلام جز اسمش - قرآن‌های نفیس چاپ می‌کنند و مجالس بزرگ تشکیل می‌دهند ولی همه توخالی و پوچ و بی‌عمل - اینان از اسلام به دورند. مساجدشان آباد - و زیبا و بزرگ و پرچراغ - است ولی از هدایت و دلالت مردم به نور توحید، خراب و بی‌فروغ. فقهای آن زمان بدترین فقهای زیر آسمانند فتنه و فساد از آنها شروع می‌شود و به همان‌ها برمی‌گردد.<sup>۱</sup>

#### د: احترام به قرآن

قاری قرآن باید با رعایت آداب خاصی به قرآن احترام بگذارد لذا بهتر است قرآن را بر روی دست بگیرد یا در جای مناسبی مانند رحل بگذارد، با وضو باشد، و حتی المقدور رو به قبله بنشیند، در بین قرائت با کسی سخن نگوید، قرآن را با سخن‌های دیگر به صورت ممزوج و مخلوط نخواند - آن‌گونه که در بعضی از مجالس ترحیم رسم شده - و بالاخره با احترام تمام با قرآن همراه باشد.



### عظمت قرآن

قرآن کلام خداوند علی و عظیم است و هرگز کسی را مباد که آن را با کلام بشر مقایسه کند.

خداوند عزوجل در سوره حشر (۵۹) آیه ۲۱ می فرماید:

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا  
مُتَّصِدًّا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ  
لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

«اگر این قرآن را بر کوهی فرومی فرستادیم یقیناً آن را از بیم خدا فروتن و از هم پاشیده می دیدی و ما این مثل ها را برای مردم بیان می نماییم، باشد که آنان

بیندیشند.»

قرآن دریایی است پر از گوهر و مرجان که گوهر فروشان عالم یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام در برابرش زانو می زنند و از آن فیض می گیرند.



امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق مبعوث فرمود و اهل بیتش را گرامی داشت هیچ دعا و حرزی نیست برای دفع آتش سوزی یا غرق شدن یا سرقت یا لغزش مرکب‌های سواری یا گم شده یا عبد فراری مگر اینکه در قرآن آمده است هرکس می‌خواهد از من بپرسد.»

مردی بلند شد و گفت: یا امیرالمؤمنین چگونه می‌توان از آتش سوزی و غرق شدن ایمن شد؟  
حضرت فرمود: بخوان این آیات را:

«إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى  
الصَّالِحِينَ»<sup>۱</sup>

و این آیه را:

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ  
تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup>

پس مردی آنها را خواند و در یک آتش سوزی، خانه همسایگانش سوخت و خانه او سالم ماند.

سپس مردی بلند شد و گفت: مرکب من بر من سختی می‌کند و من می‌ترسم حضرت فرمود: در گوش راست آن بخوان:



۱-سوره اعراف (۷)، آیه ۱۹۶.

۲-سوره زمر (۳۹)، آیه ۶۷.

«...وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ

كَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.»<sup>۱</sup>

آن مرد خواند و حیوانش رام شد.

سپس مردی بلند شد و گفت: دراطراف من سرزمین پُر

درنده‌ای است حضرت فرمود: بخوان

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ

حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ\* فَإِنْ تَوَلَّوْا

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»<sup>۲</sup>

آن مرد خواند و درندگان دور شدند.

سپس مردی بلند شد و گفت: من مرض صفرا دارم.

حضرت فرمودند: «آیة الكرسي» را برشکم خود بنویس و...

آن مرد به دستور حضرت عمل کرد و خوب شد.

و سپس مردی بلند شد و گفت: اگر چیزی از ما گم شود چه

کنیم؟

حضرت فرمود: «سورة یس» را در دو رکعت نماز بخوان...

و سپس مردی بلند شد و گفت: بنده من فرار کرده است چه

کار کنم؟

حضرت فرمود: بخوان:

۱- سورة آل عمران (۳)، آیه ۸۳.

۲- سورة توبه (۹)، آیات ۱۲۸ و ۱۲۹.



أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ  
مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا  
أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا  
فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ»<sup>۱</sup>

آن مرد خواند و بنده اش برگشت و سپس مردی بلند شد و  
گفت: دائماً خانه مرا دزد می زند.

حضرت فرمودند: وقتی به رختخواب رفتی بخوان:

«قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَانَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا بِهَا  
وَ اتَّبِعْ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» \* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ  
يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ  
لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرَهُ تَكْبِيرًا»<sup>۲</sup>

سپس حضرت فرمود: هر کس در بیابان باشد و بخواند:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ  
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ  
حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا  
لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»<sup>۳</sup>



۱-سوره نور (۲۴)، آیه ۴۰.

۲-سوره اسراء (۱۷)، آیه ۱۱۰ و ۱۱۱.

۳-سوره اعراف (۷)، آیه ۵۴.

ملائکه او را حفاظت می‌کنند و شیاطین از او دور می‌گردند.<sup>۱</sup>

باری این حدیث شریف را با آنکه طولانی بود آوردیم تا دانسته شود قرآن گنجینه‌ای است پر بها و اقیانوسی است عمیق که انتهای آن را کسی جز خدا نداند پس آیا سزاوار نیست ما انسان‌های ضعیف و کوچک در برابر این عظمت و اُبّهت سر تسلیم فرود آوریم؟!

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«اگر سوره مبارکه حمد را هفتاد بار بر مرده‌ای خواندی و

او زنده شد از این تأثیر عجب مدار.»<sup>۲</sup>

لذا در جنگ صفین وقتی یکی از دست‌های هشام بن عدی قطع شد امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دست قطع شده او را گرفت و چیزی خواند آن دست وصل شد.

هشام گفت: یا امیرالمؤمنین! چه چیزی بود خواندی که این طور اثر کرد؟!

حضرت فرمود: سوره حمد را خواندم...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱) اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ (۲) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) مَا لِكَ يَوْمَ  
الدِّينِ (۴) اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) اِهْدِنَا الصِّرَاطَ  
الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ

۱- بحارالانوار ج ۴۰ / ص ۱۸۲.

۲- بحارالانوار ج ۹۲ / ص ۲۵۷.



۷۲ \* قرآن، کتاب انس و عمل

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

هشام گویا سوره حمد را دست کم گرفت - و آن را سبک  
شمرد - پس دوباره دست او جدا شد.  
امیرالمؤمنین علیه السلام هم به او توجهی نکرده و بی اعتنا  
گذشتند.<sup>۱</sup>





### عجایب قرآن

قرآن عجائب و شگفتی‌هایی دارد که هیچ کتابی حتی کتاب‌های آسمانی آن را ندارد؛ زیرا قرآن معجزه زنده و جاودان حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم است و در هر دوره و زمانی از آن عجایبی ظهور می‌کند و این سیر تا قیامت ادامه خواهد داشت.

یکی از عجایب قرآن، نورانیت آیات آن است که آن از جنس نورهای مادی نیست؛ لذا افرادی که فی الجمله طهارت باطن دارند آن نور را می‌بینند، گرچه نابینا باشند.

از حضرت آیه الله العظمی بهجت رحمة الله علیه نقل است که فرمودند: «در زمان جوانی ما نابینایی بود که قرآن را باز می‌کرد و هر آیه‌ای را که می‌خواستیم نشان می‌داد و انگشت خود را روی آن می‌گذاشت. من یک روز خواستم با او شوخی کنم، گفتم: فلان آیه کجاست؟ او قرآن را باز کرد و انگشت خود را روی همان آیه مورد نظر گذارد. من برای شوخی گفتم: نه



این جا آن آیه نیست! به من گفت مگر کوری؟!<sup>۱</sup>  
و نیز در حالات مرحوم کربلایی محمّد کاظم فراهانی که  
حافظ قرآن ولی بیسواد بود نقل است که طلاب مدرسه فیضیه  
قم گاهی او را به ناهار دعوت می کردند و او هم دعوت آنها را  
می پذیرفت ولی بعضی از وقت های یکی دو لقمه که غذا می خورد  
فوراً می رفت داخل حیاط و عمداً غذاها را استفراغ می کرد.  
می پرسیدند: چرا این کار را می کنی؟! می گفت: این غذاها  
شبهه ناک است چون نوری که از قرآن در قلب دارم کم شد.  
لذا از مرحوم کربلایی محمّد کاظم می خواستند که بگویند  
چه کلماتی در این صفحه، از کلمات قرآن است؟ او با انگشت  
خود قسمت هایی که قرآن بود از غیر قرآن مجزا می کرد، حتی  
طلبه های یک صفحه مطالب مختلف می نوشتند و در بین آن یک  
کلمه یا حتی یک حرف از قرآن می نوشتند، وقتی صفحه را به او  
نشان می دادند می گفت: این کلمه یا این حرف از قرآن است.  
می پرسیدند از کجا می فهمی؟ می گفت کلمات قرآن نور دارد.  
بله اینها حقایق و عجایبی است که هر کس آن را انکار کند  
گویی نور خورشید را انکار کرده و او همچون کبکی است که سر  
خود را داخل برف کرده و خیال می کند دیگر هیچ کس او را  
نمی بیند.

دیگر از عجایب قرآن، از حفظ شدن آن است، به عنایات  
الهیّه و این افراد گرچه در تعداد، کم اند ولی شاید در هر زمانی  
وجود داشته باشند.



از جمله کسانی که تمام قرآن را حفظ بود بدون اینکه آن را از بر کرده باشد مرحوم حاج شیخ جعفر رشتی بود که نگارنده آن را دیده و به خدمتش رسیده است.

ایشان می فرمود: من از روضه خوانهای حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام هستم و آن حضرت به من عنایت فرموده و یک مرتبه تمام قرآن را در سینه ام قرار داده است... حالا این چه رمزی است؟ خدا می داند!

دیگر از کسانی که بدون مقدمه تمام قرآن را حفظ شده آن هم به طور عجیب و شگفت، مرحوم کربلایی محمد کاظم فراهانی است که شرح حال او در بسیاری از کتاب های معاصرین آمده و عدّه زیادی از طلاب و فضلا و حتی مراجع با او مصاحبه داشته اند.

کربلایی محمد کاظم می گوید

ماه رمضانی بود و مُبلّغی به روستای ما آمد، او ضمن سخنانش می گفت: هر مسلمانی باید حقوق مالی خود را از خمس و زکات بپردازد و الا نماز و روزه اش صحیح نیست. من به پدرم گفتم: شما چرا زکات نمی دهی؟ پدرم گفت: این حرف ها یعنی چه؟... من گفتم: دیگر در خانه شما نمی مانم و لذا قهر کردم و به قم آمدم.

پس از مدتی پدرم کسی را فرستاد و من به خانه برگشتم ولی باز هم حاضر به پرداخت زکات نشدم. من این بار به تهران آمدم و مشغول کار شدم، بالاخره پدرم مرا خواست و قرار شد مقداری از زمین های خود را در اختیار من بگذارد تا من در آن



زراعت کنم، پدرم هشت بار گندم به من داد من هم فوراً نصف آن را به فقرا دادم و نصف دیگر را کاشتم، زراعت مرا خداوند برکت داد و من بیش از آنچه باید، زکات خود را می پرداختم.

یک روز که به خانه برمی گشتم در راه، به دو سیّد جوان نورانی و زیبا برخورد کردم پرسیدم: کجا می روید، به امامزاده می روید؟ گفتند: بله! گفتیم: من هم بیایم؟ گفتند: بیا، رفتیم تا به «شاهزاده حسین» رسیدیم وارد حرم شدیم آن دو بزرگوار سوره «قل هو الله» را خواندند من هم که هیچ سواد نداشتم با آنها خواندم. از آن جا بیرون آمدم و رفتیم به «هفتاد و دو تن» آن دو جوان به من گفتند: «کاظم، آن بالا را بخوان» گفتم: من سواد ندارم.

گفتند: نگاه کن می توانی بخوانی، نگاه کردم دیدم با خط سفید و پرنوری این آیات نوشته شده:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ  
 أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ  
 حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهَ الْأَلَا  
 لَهُ الْخَلْقِ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* ادْعُوا  
 رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَ  
 لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَ  
 طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ۱



من آیات را خواندم. آن دو سید جلو آمدند، یکی از آنها مرا نگاه داشت و دست خود را از پیشانی تا سینه ام کشید و سوره حمد را قرائت کرد و به صورت من فوت کرد (و ظاهراً فرموده بود (قرآن را هشتم تو سینه ات) یعنی قرآن را گذاشتم در سینه ات) یک مرتبه حال من دگرگون شد و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی به خود آمدم، دیگر شب شده بود. یکی از اهالی را که کربلایی علی نام داشت دیدم به من گفت: کاظم کجایی؟ چرا نرفتی خرم من گندم را جمع کنی؟ گفتم: من به زیارت امامزاده رفته ام و به من قرآن را عنایت کرده اند. کربلایی علی با ناباوری گفت: این حرف ها چیست؟ مگر دیوانه شده ای؟ حاج شیخ عبدالکریم هم که مجتهد و مرجع تقلید است قرآن را از بر نیست.

خلاصه مرا به خانه ملای روستا بردند. او از من امتحان کرد، اول «سوره الرحمن» را از من پرسید بعد «سوره یس» و سپس «سوره مریم» و خلاصه چندین جای قرآن را از من پرسید و من بدون کوچکترین اشتباه آنها را خواندم. ملاگفت: بله! کاظم راست می گوید، خداوند به او عنایت کرده است.

مردم ریختند و لباس های مرا به عنوان تبرک بردند. ملا مرا پناه داد و به زحمت، مردم را از خانه بیرون کرد و به من گفت: اگر جانت را می خواهی شبانه از روستا بیرون برو. من هم به ملایر آمدم و خبر من به تویسرکان و همدان و کرمانشاه و قم و حتی عراق رسید.

کربلایی کاظم خدمت بسیاری از علما و مراجع زمان خود



رسید، از جمله مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری صاحب نماز باران در قم که پس از امتحان او فرموده بودند: عجیب است این مرد عامی و دهاتی چگونه می‌تواند سوره بقره را که ۲۸۶ آیه دارد بدون تأمل از اول به آخر و از آخر به اول بخواند. ماکه شصت سال است قل هو الله را می‌خوانیم نمی‌توانیم آن را که فقط ۵ آیه دارد از آخر به اول بخوانیم. کربلایی محمد کاظم توسط آیه الله محسنی ملایری خدمت مرحوم آیه الله بروجردی رسید و ایشان هم از او امتحانات عدیده‌ای به عمل آوردند.

حضرت آیه الله خزعلی که خودشان حافظ قرآنند در یکی از نوشته‌های خود می‌نویسند من در ملاقات خود با کربلایی محمد کاظم دو آیه از قرآن را از دو جای مختلف کنار هم گذاشته و خواندم. کربلایی محمد کاظم فوراً گفت: این دو آیه از دو جای قرآن است نه یک جا، یکی از سوره «انعام» و دیگری از سوره «ص».

یکی از طلاب از کربلایی محمد کاظم پرسید: فلان آیه چند تا «میم» دارد، گفت: فلان عدد، شمردم دیدم کمتر است گفتم: کمتر است، گفت اشتباه کرده‌ای. دو مرتبه شمردم دیدم درست است.

آیه سید هبة الدین شهرستانی وزیر معارف و علوم عراق در شهر کنگاور با کربلایی محمد کاظم ملاقات کرد، پس از امتحان، غرق در حیرت و بُهت شد، علمای اهل تسنن را جمع کرد و در حضورش از او امتحانات عدیده‌ای کردند، همه در امر



کربلایی محمّد کاظم حیرت زده شدند و در کربلا و نجف جلساتی تشکیل شد و همه بر تسلّط این شخص بیسواد تعجب می‌کردند، بالاخره خبر او به امیر کویت رسید از او رسماً دعوت کرد. کربلایی محمّد کاظم به کویت رفت و پس از امتحانات زیاد از او خواست تا در کاخش بماند ولی علمای عراق صلاح ندانستند و گفتند: ممکن است مخالفین اهل بیت بخواهند این معجزه و کرامت روشن را از بین ببرند.

آیه الله العظمی مکارم شیرازی می‌فرمود: من کربلایی محمّد کاظم را امتحان کردم، او تسلّط کامل به قرآن داشت و قیافه او به طوری بود که هر کس او را می‌دید فکر می‌کرد او «قل هو الله» را هم بلد نیست.

گاهی طلباب چند جمله از قرآن را سر هم می‌کردند و از او می‌پرسیدند، می‌گفت: «ناقلاً گری می‌کنید.» جمله اول آن در فلان سوره و جمله دوم در فلان سوره است تا آخر.

حاج شیخ قوام بشنوه‌ای، بالای منبر آیه ۵۷ سوره احزاب را قرائت کرد و آخرش را چنین خواند: «وَاعِدْ لَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً» وقتی از منبر پایین آمد کربلایی کاظم گفت: آقا آیه چنین است: «عَذَاباً مُّهِيناً»

حاج شیخ گفت: نه من همیشه عذاباً أَلِيماً، می‌خوانم. کربلایی محمّد کاظم گفت: شما همیشه اشتباه می‌کنید و عذاباً أَلِيماً هم هست ولی نه در این جا بلکه در فلان جا و فلان جا و آنها را شمرد، قرآن آوردند و دیدند بله حق با کربلایی محمّد کاظم است.



از جمله کسانی که او را امتحان کرده‌اند، مرحوم آیت الله العظمی خویی و مرحوم آیت الله العظمی میلانی‌اند که در حضور آنها یک نفر پرسید: این آیه کجای قرآن است؟ «الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا»

کربلایی محمد کاظم گفت: این آیه «ثُمَّ» ندارد. گفتند: ابن هشام گفته «ثُمَّ» دارد. گفت: من این حرف‌ها را نمی‌دانم، این آیه «ثُمَّ» ندارد بلکه آیه‌ای شبیه این در سوره زمر هست که می‌فرماید: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا» علمای حاضر همه شگفت زده شده‌اند او را تحسین کردند.

استاد جعفر سبحانی و آیت الله صدر و آیت الله حجت و شهید نواب صفوی و پرفسور صدوقی و هزاران عالم و مجتهد و مرجع دیگر خدمت کربلایی محمد کاظم رسیده‌اند.

کربلایی محمد کاظم رانزد پرفسور صدوقی بردند تا چشم او را معاینه کند بعد از اینکه او را معرفی کردند پرسید: عمو جان! این آیه کجاست؟ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ...» گفت سوره مائده آیه ۹۰.

گفتند: هر آیه‌ای که بخواهید با هر قرآنی که باشد آن را فوراً پیدا می‌کند. پرفسور از قفسه کتابخانه‌اش یک قرآن خطی طلایی بیرون آورد و به دست او داد. کربلایی محمد کاظم فوراً یک قبضه، قرآن را باز کرد و آیه را نشان داد. پرفسور غرق حیرت شد و گفت: اگر این مرد در اروپا و آمریکا بود چه تجلیلی از او می‌شد!!

داستان کربلایی محمد کاظم فراهانی، نمونه‌ای است از





عجایب قرآن کریم و سندی است ظاهر و روشن بر حقیقت این کتاب عظیم که به شهادت بسیاری از علماء از اشراقات ربّانی و خوارق عادات و موهبت‌های بزرگ الهی است و ما داستان او را آوردیم تا آنها که با فکر محدود خود گرفتار مادیات شده‌اند و ماوراء طبیعت و الطاف مخفی خداوند را منکرند بدانند که سخت در اشتباهند.

دیگر از عجایب قرآن جواب‌های بسیار بجا و مناسبی است که در «تفأل و یا استخاره» با آن به دست می‌آید و این امری است غیر قابل انکار.

مرحوم علامه طهرانی می‌نویسند:

من بایکی از سرشناسان مسجد محلّ، کشمکشی داشتم. او نامه‌ای برای من نوشت و به من و پدرم بدگفت و از هر زشتی و نسبت قبیحی خودداری نکرد، حتی نوشته بود شما می‌خواهید دست مرا از مسجد کوتاه کنید! ولی محال است من دست بردارم و من زنده‌ام تا شما را مانند پدرتان به همان آرامگاه ابدی ببرم و دفن کنم.

شب‌ی بود زمستانی، نامه را خواندم و تعجب کردم، تصمیم گرفتم صبح فردا نسخه‌های متعددی از روی آن عکس بردارم و برای دوستان بفرستم و اصل نامه را در حیاط مسجد نصب کنم... حالا مطلب به هر جا مُنجر می‌شود بشود. او را برکنار می‌کنند، او را از تهران بیرون می‌کنند؟! در آن شب یکی دوبار قرآن کریم را گشودم آیات راجع به حضرت موسی علیه السلام و آزار فرعونیان بود که وعده صبر و استقامت می‌داد.



فردا اول طلوع آفتاب عازم شدم تا از خانه بیرون بروم و جریان را به همان مقاصدی که در نظر داشتم دنبال کنم ناگهان گویا برقی به دلم زد و با خود گفتم: در این که این عکس العمل برای این مرد خوب نیست و او را در هم می‌کوبد و ریشه‌اش را در می‌آوردشکی نیست ولی آیا این عمل مورد رضا و امضای خداوند هم هست یا نه؟ آیا موجب کمال معنوی من است یا انحطاط و سقوط؟ در این حال قرآن کریم - این نامه پر مهر خدا - را برداشتم و تفأل زدم - و از او راهنمایی و دلالت خواستم - عجب آیه‌ای آمد، نه یک عجب بلکه هزار عجب. آیه این بود:

«وَلَا تَسْتَوِيَ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ \* وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ \* وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»<sup>۱</sup>

«خوبی با بدی یکسان نیست تو ای پیامبر! بدی را با نیکی که طریقه بهتر است، از خود دور کن که در این صورت کسی که میان تو و او دشمنی است گویا دوست صمیم و پاسدار حمیم تو می‌گردد. ولیکن به این اوج عظمت اخلاقی دست نمی‌یابند مگر کسانی که در عمل، شکیبیا و صابر باشند و در معارف الهیه دارای بهره‌های بزرگ و حظی عظیم شده باشند...»



گفتم: سبحان الله این است اعجاز قرآن، این است ابدیت قرآن، این است اقوم بودن قرآن، خداوند می فرماید: در صد انتقام و تلافی مباش، بدی را با بدی پاداش مده، راه تعلیم و تربیت نفوس، صبر و تحمل است... - این از یک طرف و از طرف دیگر من تا به حال همه را به یک چشم می دیدم و مسئول و متعهد تربیت آنها بودم چه شد که اینک این مرد خارج شد؟! این آیه مانند آب خنک و گوارا، آتش دورنی مرا فرو نشانده و همان لحظه گوشی تلفن را برداشتم و به او گفتم: منزل تشریف دارید، خدمت برسم؟ او گفت: نه، نه من خدمت می رسم، الآن می آیم.

من گفتم: من آماده ام. گفت: نه، من می آیم، پس از چند دقیقه آمد، هر دو یکدیگر را در آغوش گرفتیم و گریه کردیم. او را داخل اطاق آوردم، ولی یک جمله هم از مضامین نامه صحبت نشد و فقط نامه را به او تسلیم کردم و گفتم: نه شما نامه ای نوشتید و نه من نامه ای خوانده ام. نامه را گرفت و قدری گریست خدا حافظی کرد و رفت.<sup>۱</sup>

این است قرآن جاودانی و ابدی که در حکم دارویی است شفا بخش، هر چه انسان از او نوش کند سیر نمی شود بلکه حلاوت و شیرینی اش فراوان تر می گردد.

کسی که باطن خود را پاک کند و به طهارت سیر برسد، از قرآن استفاده های شایانی می برد که دست ناپاکان هرگز به آن نرسد.



۱- نور ملکوت قرآن، تألیف علامه طهرانی، جلد ۱، صفحه ۷۳، با تلخیص.

قرآن کتابی است گویا و خوش بیان ولی یاللاسف که ما زبان او را نمی دانیم و الا هر کس کم و بیش می داند افرادی هستند که از همین آیات، مطالبی می فهمند که نزدیک به اعجاز است. حقیر خدمت مرحوم آیه الله غروی رسیده بودم، ایشان قرآن را برای استخاره باز می کرد و می گفت: در این ازدواج موفق نمی شوی یا این خانه ای که قصد خریدش را داری همسایه بدی دارد و خلاصه مطالبی از قرآن استخراج می کرد که انسان می دید بدون این که قصد خودش را بیان کرده باشد او از ضمیرش خبر می داد و مسأله را بیان می کرد.



### خاتمه

بحث تعاهد با قرآن به طول انجامید و این به آن علت بود تا مسلمانان مخصوصاً جوانان بفهمند که این قرآن چه گنج پر بها و چه اقیانوس پر گهری است که این گونه غریبانه در دست ماست و ما از آن بهره‌ای نداریم.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«وَمُجَالَسَةُ أَهْلِ اللَّهِ يُنْسِي الْقُرْآنَ وَ يُحْضِرُ الشَّيْطَانَ.»<sup>۱</sup>

«همنشینی با اهل لهو و لعب، قرآن را به فراموشی می‌سپارد و شیطان را در مجامع حاضر می‌کند.»

بله از بس به مطالب پوچ و شب نشینی‌های مبتذل و برنامه‌های سرگرم کننده پرداخته‌ایم دیگر فرصت و مجال برای سر زدن به خانه قرآن نداریم.



در پایان، کلام خود را به فرمایش گرانقدر حضرت امام  
صادق علیه السلام زینت می دهیم که آن حضرت فرمود:

«يَبْغَى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ  
يَكُونَ فِي تَعَلُّمِهِ...»<sup>۱</sup>

«سزاوار است، مؤمن، قبل از مرگ، قرآن را بیاموزد و یا  
در راه آموختن آن باشد.»

خداوندا ما را با قرآن زنده بدار و با قرآن محشور فرما.

آمین رب العالمین



### سوالات تستی از کتاب: قرآن نامه از آسمان

۱ - آیا قرآن کتابی است مثل کتابهای دیگر که بتوان همانندش را نوشت؟ به دلیل کدام آیه قرآن؟

الف) بقره / ۱۷۶ (ب) اسراء / ۸۸ نساء / ۸۷ انعام / ۳۸

۲ - آیا احکام و دستورات قرآن را در این زمان هم باید به کار برد؟ قرآن چه می‌گوید؟

الف) بله، ولی باید آن را با مقتضیات زمان تنظیم کرد

ب) بله ولی نه در هر زمان و هر شرایط بحرانی

ج) بله همیشه و هر جا

د) بله ولی فقط دستورات عبادی را نه همه دستوراتش را

۳ - رسول خدا فرمود:

الف) به اعماق معانی قرآن فکر نکنید که گمراه می‌شوید

ب) خواندن قرآن کافی است گرچه همراه با فهمیدن نباشد

ج) در خانه‌های خود قرآن بخوانید

د) جای خواندن قرآن در مساجد و معابد است



## ۸۸ \* قرآن، کتاب انس و عمل

۴ - امام صادق علیه السلام درباره جوانان فرموده‌اند:

- (الف) قرآن با گوشت و خون جوان مؤمن مخلوط می‌گردد
- (ب) جوانان کمتر و افراد مسن بیشتر قرآن بخوانند
- (ج) جوان عمق معانی قرآن را درک نمی‌کند
- (د) قرآن در جوانی توشه‌ای است برای زمان پیری

۵ - سبب پیروزی مسلمین در یک جنگ شبانه این بود که:

- (الف) نور قرآن صحنه جنگ را روشن کرد
- (ب) مسلمانان به سپاه دشمن شیبخون زدند
- (ج) دشمن گرفتار تاریکی شب شد
- (د) رشادت بی نظیر زیدبن حارثه رئیس سپاه مسلمین

۶ - عمّار و عبّاد در شب غزوه ذات الرقاع چه کردند؟

- (الف) عمّار تا صبح خوابید و عبّاد پاسداری داد
- (ب) عبّاد در ضمن پاسداری و نماز، سه تیر دشمن را به جان خرید
- (ج) عبّاد به نماز ایستاد و عمّار پاسداری داد
- (د) هر دو تا صبح پاسداری دادند و نماز خواندند

۷ - در نماز باید:

- (الف) فقط یک سوره کوچک بخوانند
- (ب) یک سوره کامل لازم نیست
- (ج) هرچه بیشتر قرآن بخوانند
- (د) در رکعت دوم سوره قل هو الله بخوانند

۸ - آیا قرآن هنوز هم غریب است؟ چرا؟

- (الف) بله زیرا به احکامش عمل نمی‌شود
- (ب) نه زیرا هر روز خوانده می‌شود
- (ج) تا اندازه‌ای چون همه مردم دنیا مسلمان نشده‌اند
- (د) نه زیرا برای کتاب خدا غربت مفهومی ندارد





۹- قرآن از چه کسانی شکایت می‌کند؟

- الف) از مردم غیرمسلمان
- ب) از عالمان بی‌عمل
- ج) از کسانی که آن را از متن زندگی خود کنار زده‌اند
- د) از حاکمان ستم‌پیشه

۱۰- قرآن برای چه کسانی نازل شده است؟

- الف) همه کسانی که در زمان نزول در سن رشد بوده‌اند
- ب) مسلمانان صدر اسلام
- ج) همه مسلمانان و همه اهل کتاب
- د) همه جهانیان

۱۱- آیا قرآن تغییرپذیر است؟ چرا؟

- الف) بله چون شرایط تغییر می‌کند
- ب) هرگز چون از حقایق ثابت سخن می‌گوید
- ج) بله چون باید با دنیای علم و صنعت همراه باشد
- د) نه چون تحریف قرآن از بزرگترین گناهان است

۱۲- داستان گذشتگان که در قرآن آمده چه فایده‌ای دارد؟

- الف) تا مردم دنیا از اجدادشان پیروی کنند
- ب) تا دینداران خود را تنها و غریب نپندارند
- ج) تا غیر مسلمان هم به اسلام رو آورند
- د) تا مسلمانان وضع خود را با آنان منطبق کرده راه را از چاه بشناسند

۱۳- قرآن را باید:

- الف) تدبّر کرد و فهمید
- ب) به ظواهرش عمل کرد
- ج) به خواندنش اکتفا نمود
- د) هرکس باطنش را برای خود تفسیر کند



۹۰ \* قرآن، کتاب اُنس و عمل

۱۴ - فهم قرآن مخصوص است به:

الف) پیامبر اکرم

ب) پیامبر و امامان

ج) معصومین و عالمان برجسته

د) هرکس می‌تواند به اندازه خودش از قرآن استفاده کند

۱۵ - قرآن:

الف) بسیار ساده است

ب) هیچ کس آن را نمی‌فهمد

ج) ظاهرش ساده و باطنش عمیق است

د) ظاهرش مشکل و باطنش دور از دسترس بشر است

۱۶ - قرآن کتابی است:

الف) قابل فهم همهٔ بشر و معلّم نمی‌خواهد

ب) معلّم آن را خودش تعیین می‌کند

ج) همهٔ عالمان دین معلّم قرآن‌اند

د) معلّم آن را فقط خدا و رسولش می‌شناسند

۱۷ - تمسّک به قرآن یعنی:

الف) فهمیدن و راهنما قرار دادن آن

ب) خواندن و احترام به آن

ج) خواندن و فهمیدن

د) فهمیدن و فهماندن به دیگران

۱۸ - افرادی که قرآن در زندگی آنها تأثیر عمیق و عملی داشته:

الف) ولید و پسرش

ب) ولید و مغیره

ج) فضیل و پسرش

د) مرد بادیه‌نشین و خانواده و قومش



۱۹ - ترتیل یعنی:

- الف) خواندن قرآن به‌طور واضح همراه با توقّف و تدبّر
- ب) خواندن به سبک شعر
- ج) خواندن با تجوید کامل
- د) خواندن همیشگی و بی در پی

۲۰ - قاریان قرآن:

- الف) همه مورد قبول و احترام مردم باید باشند
- ب) آتش جهنم بر آنها حرام است
- ج) قرآن آنها را لعن می‌کند
- د) عدّه کمی از آنها مورد قبول قرآن‌اند

۲۱ - قرآن باید چنین خوانده شود:

- الف) با صوت و لحن عرب
- ب) با لحن شعر و آواز بلند
- ج) بدون صوت و آرام
- د) به طرزی ذلنواز و شادکننده

۲۲ - خواندن قرآن به چه ترتیب ممنوع است.

- الف) با چهچهه
- ب) همراه با آلات موسیقی
- ج) با لهجه اهل فسق و فجور
- د) همه موارد

۲۳ - در قرآن آمده است:

- الف) همه احکام الهی
- ب) همه داستانهای گذشتگان
- ج) همه علوم
- د) کلید همه دردها و مشکلات و عجایب دیگر



۹۲ \* قرآن، کتاب انس و عمل

۲۴ - از عجایب قرآن است:

- الف) حفظ، جوابهای مناسب، نورانیت
- ب) حفظ، شرافت، سادگی
- ج) عمق، فصل بندی، مقام مکنون
- د) ظرافت، جوابهای مناسب، حیاداری

۲۵ - چرا مسلمانان قرآن را فراموش کرده‌اند؟

- الف) اسراف در شهوات
- ب) روآوری به دنیا
- ج) زیادی اکل و شرب
- د) جایگزینی با لهو و لعب



### سوالات تشریحی از کتاب: قرآن نامه‌ای از آسمان

- ۱ - ترجمه کنید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا».
- ۲ - ترجمه کنید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ».
- ۳ - خداوند که درباره قرآن می‌فرماید: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا» مقصود از مَنْ كَان حَيًّا چیست؟
- ۴ - چرا حاکمان کشورهای کفر با قرآن مخالفت می‌ورزند؟
- ۵ - چرا آموزش زبان عربی با مشکلات فراوانی همراه است؟
- ۶ - تعاهد با قرآن یعنی چه؟
- ۷ - تکمیل کنید: از رسول خدا پرسیدند چرا خسته به نظر می‌رسید؟  
حضرت فرمود: من شب گذشته ..... خوانده‌ام.
- ۸ - تکمیل و سپس ترجمه کنید: رسول خدا فرمود: نَوْرًا بِيَوْمِ تَكْمِلُ.....
- ۹ - تکمیل و سپس ترجمه کنید: رسول خدا فرمود: أَشْرَافُ أُمَّتِي .....  
وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ.



## ۹۴ \* قرآن، کتاب انس و عمل

۱۰ - تکمیل کنید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه جوان مؤمنی قرآن بخواند .....

۱۱ - مسبحات چه سوره‌هایی است؟

۱۲ - تکمیل کنید. امام سجّاد علیه السلام فرمود: اگر همه مردم از دنیا بروند، من وحشت نمی‌کنم زیرا .....

۱۳ - سبب پیروزی مسلمین در آن جنگ شبانه به ریاست زیدبن حارثه چه بود؟

۱۴ - عبّادبن بشر هنگام پاسداری در غزوه ذات الرقاع چه کرد؟

۱۵ - حضرت رضا علیه السلام علت این را که باید بعد از حمد مقداری از قرآن تلاوت شود، چه می‌دانند؟

۱۶ - دست جنایتکار دشمنان اسلام چه کرد تا قرآن بر سر طاقچه‌ها تنها ماند و گرد غریبی گرفت؟

۱۷ - ترجمه کنید: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

۱۸ - تکمیل کنید. رسول خدا فرمود: قرآن در روز قیامت شکایت می‌کند و می‌گوید .....

۱۹ - آیا قرآن برای همه اهل جهان نازل شده؟ از کجا می‌فهمیم؟

۲۰ - ترجمه کنید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».

۲۱ - چرا قوانین بشری دائماً در تغییر است ولی قرآن هیچ تغییری نمی‌پذیرد؟

۲۲ - امام صادق علیه السلام در جواب این که چرا قرآن همیشه تازگی دارد چه فرمودند؟

۲۳ - قرآن جری و تطبیق دارد، یعنی چه؟

۲۴ - تکمیل کنید: امام باقر علیه السلام فرمود: قرآن برای .....

جاری است همان‌گونه که برای ..... جاری بوده است.



۲۵ - ترجمه کنید. امام صادق علیه السلام فرمود:  
**عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَمَا وَجَدْتُمْ آيَةً نَجَامِنَهَا مِنْ كَانَتْ قَبْلَكُمْ فَاعْمَلُوا بِهَا وَمَا  
 وَجَدْتُمْوهُ مِمَّا هَلَكَ مِنْ كَانَتْ قَبْلَكُمْ فَاجْتَنِبُوهُ.**

۲۶ - داستان گذشتگان که در قرآن آمده چه فایده‌ای دارد؟

۲۷ - قرآن کتاب فهم و اندیشه است یعنی چه؟

۲۸ - ترجمه کنید: «**كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا  
 الْأَلْبَابِ.**».

۲۹ - قرآن دارای ظاهری و باطنی است یعنی چه؟ و چرا؟

۳۰ - چگونه می‌توان از باطن و حقایق قرآن بهره‌گیری کرد؟

۳۱ - آیا فهم قرآن، معلم می‌خواهد؟ چرا؟

۳۲ - معلم قرآن کیانند؟

۳۳ - مقام تنزیل و مقام مکنون چیست؟

۳۴ - ترجمه کنید: رسول خدا فرمود: «**فَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ  
 اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ.**».

۳۵ - امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: «قرآن نصیحت‌گری است که  
 در اندرزش غش نمی‌کند» یعنی چه؟

۳۶ - مردی که قرآن می‌آموخت، وقتی رسید به آیات **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ  
 ذَرَّةٍ ...** چه گفت و رسول خدا چه فرمود؟

۳۷ - داستان فضیل چه بود؟ و کدام آیه قرآن بر او تأثیر کرد؟ آیه را با  
 ترجمه‌اش بنویسید.

۳۸ - ترجمه کنید: «**و تَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ \*  
 سُرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطْرَانٍ وَ تَغْشَى وُجُوهُهُمْ النَّارُ.**».

۳۹ - برخورد ولیدبن مغیره با آیات قرآن چه بود و چه کرد و چه گفت؟

۴۰ - بنا به فرمایش رسول خدا مقصود از این آیه چیست؟ «**وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ  
 تَرْتِيلاً**».

۴۱ - رسول خدا درباره چه کسانی فرمود: «**رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ**».



۴۲ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آسیابی که در جهنم است چه چیز را خرد می‌کند؟

۴۳ - تکمیل کنید: رسول خدا فرمود: قرآن را به لهجه ..... بخوانید ولی مبدا آن را به لهجه ..... قرائت کنید.

۴۴ - ترجمه کنید: رسول خدا فرمود: من می‌ترسم «أَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِيرًا»

۴۵ - ترجمه کنید: رسول خدا فرمود: «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَ لَا مِنْ الْإِسْلَامِ إِلَّا إِسْمُهُ».

۴۶ - سه نمونه از احترام به قرآن را بیان کنید.

۴۷ - ترجمه کنید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَائِبًا مَتَّصِدَعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

۴۸ - تکمیل کنید: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر ..... بر مرده‌ای خواندی و او زنده شد از این تأثیر عجب مدار.

۴۹ - امیرالمؤمنین علیه السلام دست هشام بن عدی را که در جنگ قطع شده بود، چگونه وصل فرمود؟

۵۰ - بعضی از حافظین قرآن که نابینا یا بی‌سواد بوده‌اند کلمات قرآن را از کجا تشخیص می‌دادند؟

۵۱ - چگونه می‌توان با قرآن استخاره کرد و جواب مناسب گرفت؟

۵۲ - ترجمه کنید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ اللَّهِ يُنْسِي الْقُرْآنَ وَ يُخْضِرُ الشَّيْطَانَ»

۵۳ - ترجمه کنید: امام صادق علیه السلام فرمود: «يُنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعَلُّمِهِ»

